

نقدی درباره روش تدوین مذاکرات مجلس اول*

سید ناصر سلطانی

درآمد

مذاکرات مجلس اول، سندی در تاریخ حقوق اساسی یا مشروطه‌خواهی به معنای دقیق و حقوقی آن به شمار می‌رود؛ یعنی تاریخ مشروط کردن و حد زدن به قدرت «لاحد» یا تاریخ از دیدگاه دگرگونی اندیشه مشروطه‌خواهی و کمال یافتن سازکارهای این سازواره. برای دستیابی به کارکرد حقوق اساسی در ایران، ناگزیر این سند را از دید اوضاع طرح مسائل این دسته از حقوق و پیدایی و دگرگونی مفهوم‌ها و نهادهای آن باید کاوید. شادروان فریدون آدمیت در این باره می‌گفت:

شگفت است که صورت مذاکرات که همیشه در دسترس عموم بوده، هیچ‌گاه مورد استفاده درست و کامل نویسندگان قرار نگرفته یا مجال مطالعه و دقت در معانی آن را نداشته یا به ارزش گفت و شنودها که از نظر تاریخی مهم یا بسیار مهم است، کم‌تر توجه نموده‌اند.^۱

معنای این سخن از دید تاریخ حقوق این است که توضیح بسیاری از روی دادهای مجلس نخست، به کمک مفاهیم تاریخ حقوق اساسی شدنی خواهد بود و راز اینکه محققان به‌رغم دسترسی داشتن به بسیاری از سندهای تاریخ مشروطه‌خواهی، به «ارزش گفت و شنودها»ی مجلس نخست پی نبرده‌اند، با فهم و توضیح این مسائل در تاریخ حقوق آشکار خواهد شد؛ دیدگاهی که در نظام آموزش حقوق در ایران نیست، اما آن را امروز درس بنیادی حقوق^۲ می‌خوانند. نویسندگان کتابهای حقوق اساسی، به مذاکرات مجلس اول یا دیگر مجالس، استناد نکرده و آن‌جا هم که خواننده را به شیوه‌ای پراکنده به متون تاریخی بازگردانده، در رویارویی با مواد تاریخ مشروطه‌خواهی روشی در پیش نگرفته‌اند. این مسئله، اعتبار روش‌شناسی این رشته و رویکرد غیر تاریخی ایرانیان و سطح آن را تا امروز آشکار می‌سازد.

شیوه سامان‌دهی و گردآوری این متن، نمونه‌ای از نبود سنت ثبت و نگهداری اسناد نزد آنان است. سندی نزدیک به هشتصد برگ دربارهٔ بیست ماه^۳ کارزار در مجلس نخست ایران، در سنجش با سند مجلس اول فرانسه (۱۷۹۱-۱۷۹۸)، با ۲۹ دفتر دارای بیش از هفتصد یا هشتصد برگ درباره دوره‌ای کمابیش یک‌سان، این دعوی را اثبات می‌کند. تاریخ مشروطه‌خواهی در ایران، به دنبال سامان‌دهی چنین سندهایی سامان خواهد یافت. کمبودهای متن مذاکرات، در جست‌وجوی معنای برخی از مفاهیم در میان خط‌های نانوشته و در پی شناخت کاستی‌های منابع تحقیق، بیش‌تر نمایان شد. امید است این تلاش اندک، به کامل شدن مذاکرات این مجلس کمک کند و به کار گروه‌هایی بیاید که آن را باز ویرایش خواهند کرد.^۴

بی‌سامانی مجلس و لغزش‌های تندنویسان

متن مذاکرات مجلس اول، به دلیل بی‌سامانی‌های موجود در آغاز برپایی این مجلس، بسیار ناقص است؛ یعنی گاهی چند نماینده هم‌زمان با یک‌دیگر سخن می‌گفتند یا تماشاچیان غوغا می‌کردند و صداها در این همه‌گم می‌شد. از این‌رو، سید محمدتقی هراتی^۵ می‌گفت: «وضع این مجلس خیلی بی‌ترتیب است... این مجلس که مجلس نیست، این‌جا روضه هم نمی‌شود خواند^۶». بنابراین، تندنویسان نمی‌توانستند همه سخنان و کیلان را بنویسند. یکی از نمایندگان^۷ فریاد بر می‌آورد:

ما مکرر گفتیم که تقصیر تندنویسان روزنامه است که درست مذاکرات را ضبط نمی‌کنند، ولی آنها هم تقصیر ندارند. با این ترتیب البته کسی نمی‌تواند درست ضبط کند.^۸

محمد یزدی و کیل‌التجار (نماینده رشت)، در جای دیگری می‌گفت:

... تندنویس‌ها خیلی مطالب از قلمشان می‌افتد و ضبط نمی‌کنند. مثل اینکه روز شنبه نطق بنده در خصوص شفا رود، ابدأً درج نشده... .

حسنعلی خان نصرالملک در تأیید سخن او می‌گفت: «این مطلبی که وکیل‌التجار اظهار داشتند همان‌طور است^۹». سید مهدی سقط فروش در همان نشست، در فرصت دیگری آن مشکل را دوباره به یاد می‌آورد:

پریروز بنده نطقی کردم. جمعی که اسم خود را فدایی ملت گذاشته‌اند، ولی فدایی شخص هستند، می‌خواستند بنده را صدمه بزنند. با وجود این ترتیبات، آن نطق مخصوص در روزنامه نوشته شده است.

سرانجام سید محمدتقی هراتی،^{۱۱} از منشیان مجلس، در نوشته خود که آن را در مجلس خواند، درباره این کمبود مهم مجلس اول چنین نوشت:

... ثانیاً به واسطه آن که وقایع‌نگاران جرید، خاصه جریده فریده مجلس، در کمال بی‌اعتنایی و بی‌ترتیبی، نطق متکلمین و مذاکرات مجلس را در روزنامه به‌طور دل‌خواه تغییر داده و تحریف کرده، به صواب‌دید خودشان مندرج می‌نمایند که ابدأ ناطق چنان نطقی نکرده و نخواهد کرد. این مطلب، اسباب افتضاح اغلب اعضای مجلس مقدس شده است. ... اگرچه واقعاً وقایع‌نگاران مجلس هم تقصیری ندارند؛ به‌واسطه بی‌ترتیبی اعضای مجلس از حیث نطق و تکلم.^{۱۱}

نکته‌ای که یکی از اعضای مجلس اول درباره روش تنقیح مذاکرات گفته است، به‌روشنی بر ناکارآمدی شیوه تدوین و ثبت این سند در مجلس اول گواهی می‌دهد:

صنیع‌الدوله، رئیس مجلس، به من گفت: ... آقا این وکلا که ... حرف می‌زنند، تندنویس‌ها نمی‌توانند دقیق بنویسند. آن‌های دیگر شکایت می‌کنند. ... [صنیع‌الدوله] به من گفت: گوش بدهید در حافظه‌تان بماند. این تندنویس‌ها نوشته‌ها را بیاورند، شما بگوئید کجا اشتباه هست، بعد به چاپ بدهند. تندنویس‌ها می‌آورند می‌خوانند. یک هفته مداومت کردم. بعد گفتم از کار باز می‌مانم،... وکیل‌الرعیای همدانی را پیش‌نهاد کردم، قبول شد.^{۱۲}

مهم‌ترین کاستی مذاکرات مجلس اول

رهبران مشروطه، شاه، وزیران و انجمن‌ها، نامه‌ها و لایحه‌ها یا اعلامیه‌ها و تلگراف‌های فراوانی برای مجلس یا یکی از نمایندگان می‌فرستادند تا در مجلس خوانده شود، اما برخی از این سندها بر پایه سلیقه نویسندگان و کارگزاران تدوین مذاکرات، یا در متن نیامده یا چکیده‌ای از آنها و گاهی متن کامل‌شان آمده است.

این سندها «عریضه‌هایی» شمرده می‌شد که مجلس را از پرداختن به «امور کلی» باز می‌داشت و آنها را جداگانه می‌توان چاپ کرد،^{۱۳} اما به هر روی، آنها را پاره‌ای از مذاکرات مجلسیان باید شمرد؛ زیرا این سندها برای مجلس یا یکی از اعضایش فرستاده شده، با ایشان سخن گفته، از زبان منشیان در صحن مجلس خوانده شده و در بسیاری از روزها بحث‌هایی درباره آنها در گرفته؛ چنان‌که حتی گاهی صفحاتی از گفت‌وگوی نمایندگان از آنها پر شده است. از این‌رو، بدون دیدن متن آنها، ماجراهای مجلس را نمی‌توان دانست و به‌درستی خط مذاکرات را دنبال کرد و به گوشه و کنار روی‌داده‌ها آگاه شد.

برای نمونه، آخوند خراسانی در «تبریک و تذکر به مجلس شورای ملی»، نامه مهمی به مجلس نوشت که در بسیاری از سندهای مشروطیت آمده است، اما هیچ نشانی از آن در متن نیست.^{۱۴} هم‌چنین متن پرسش مجلسیان از علمای نجف (بیستم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵) و پاسخشان به آنان نیز در متن یافت نمی‌شود، اما در بسیاری از دیگر منابع وجود دارد. نامه دیگری از آخوند خراسانی،^{۱۵} مکتوب صدارت،^{۱۶} نظام‌نامه مجلس سنا، نامه معرفی وزیران به مجلس و مشروحه‌ای که بر پایه آن امتیاز بانک ملی توشیح و ارسال شده،^{۱۷} مکتوب آخوند خراسانی و شمار دیگری از تلگراف‌های مهم او که در متن ویراسته میرزا صالح نیامده، در یکی از پژوهش‌های معاصر گردآوری شده‌اند.^{۱۸} این اثر منابع این سندها، مذاکرات دارالشورای ملی، روزنامه رسمی، روزنامه مجلس، حبل‌المتین کلکته، تاریخ بیداری ایرانیان، تاریخ مشروطه احمد کسروی و... را شناسانده است. پس این پرسش را باید پاسخ گفت که میرزا صالح این متن را بر پایه کدام منابع ویراسته است؛ زیرا این دسته از مشکلات پذیرفتنی نیست و پژوهش‌گر را به اعتبار و استنادپذیری ویراست جدید این مجموعه بدگمان می‌کند.

جنبشی در تبریز در ماه‌های پایانی ۱۳۲۴، پس از «عدم جریان کامل اصول مشروطیت» پدید آمد. مشیرالدوله (صدر اعظم) و کلاهی تبریز را خواست و گفت: «باز اینها چه می‌خواهند؟» گفتند: «می‌گویند از مشروطیت خبری نیست و هکذا». صدر اعظم گفت: «اعلی‌حضرت همایونی مجلس مرحمت فرموده‌اند و مشروطیت نداده‌اند و چنین چیزی ما قبول نداریم». این کشمکش بر سر گستره مفهوم «حد یقفی» بر «مقام لا حد»؛ یعنی قانون اساسی وجود داشت تا اینکه مجلس در نشست دوشنبه ۲۷ ذی‌الحجه ۱۳۲۴، «عریضه‌ای» با این درون‌مایه برای شاه فرستاد:

از طرف مجلس، حضور... اعلی‌حضرت شهریاری عرض شد که استدعای عموم ملت خاصه اهالی آذربایجان از حضور مبارک این است [که] اگرچه عقلای مملکت می‌دانند که بعد از اعطای فرمان انعقاد مجلس شورای ملی، دولت علیه ایران جزء دُول مشروطه محسوب است ولیکن عوام هنوز این معنی را نفهمیده‌اند. لذا خواستاریم دست خط مبارک جهان‌مطاع صادر شود بر اینکه اساس دولت علیه بر مشروطیت است.

این نامه بسیار مهم که به گمان صورت کاملش بیش از این بوده، اما همین اندازه از آن در متن مذاکرات آمده است، از دید مفهوم مشروطیت و قانون اساسی در مجلس مؤسس نظام مشروطه، بسیار مهم شمرده می‌شود. به هر روی، پاسخ شاه به این عریضه در متن نیست؛ پاسخی که در آن «اگرچه مشروطه را خواهی نخواهی قبول کرد»، به علت ویژگی سردواندگی استبداد، به پندار اینکه بر مفهوم مشروطیت قیدی بزند، «کلمه کنستی توسیون را بر آن افزود»^{۱۹}.

احتشام‌الاطباء در پایان جلسه سه‌شنبه، سوم رجب ۱۳۲۵ چنین گفت:
لایحه‌ای که نتیجه مجلس پربروز بود، ارائه نشد. رئیس: بلی. باید آن لایحه خوانده شود که برویم آن انجمن^{۲۰} را معین نماییم. لایحه‌ای که باید در حضور همایونی قرائت شود، آقای حاج سید نصر الله قرائت کردند. عموم و کلاء تحسین گفته و تصویب کردند.

این لایحه، برآمده از یک نشست مجلس بوده است.^{۲۱} «دست‌خطی از طرف ... اعلی‌حضرت... در جواب لایحه‌ای که از طرف مجلس به صحابت شش نفر از وکلای عظام به حضور اقدس اعلی تقدیم شده بود، [در نشست پنج‌شنبه، دوازدهم رجب ۱۳۲۵] به مجلس مقدس شرف وصول ارزانی داشت»، اما نه لایحه مجلس نه دست‌نوشته شاه، در متن مذاکرات هست.

پس از تلگراف مجلس و شاه «از بابت قضیه مرحوم اتابک»، میرزا صادق‌خان مستشارالدوله در نشست سه‌شنبه، ۲۴ رجب ۱۳۲۵، گفت و گوی بیست و کیل را با شاه یادداشت کرده بود که چکیده^{۲۲} آنها را برای نمایندگان بازگفت، «اما به واسطه مهم بودن آن مذاکرات قرار شد که آقای مستشارالدوله آن نطق خودشان را به مستوفی نگارش دهند و در روزنامه درج شود». گزارش کوتاه نشست غره شعبان‌المعظم ۱۳۲۵ چنین است:

صورت لایحه‌ای که بایست در حضور همایونی قرائت شود، توسط جناب مستشارالدوله نوشته و قرائت شد. سید عبدالله بهبهانی [گفت]: این لایحه ... تعارف است. باید صریحاً بگویید اینها قابل نیستند. خودتان را گرفتار نکنید! این همه زحمت کشیدیم، محض آن بود که حرف بی‌پرده زده شود، از روی بی‌ادبی هم نباشد.

در نشست پنج‌شنبه، هفدهم شعبان ۱۳۲۵ «شرح عریضه‌ای [خوانده شد] که در خصوص انجمن‌ها به حضور همایونی عرض شده و جواب دست‌خطی [درباره‌اش] صادر کرده بودند». هیچ‌یک از این سه نامه در متن نیست. سخن شادروان فریدون آدمیت درباره نامه‌های شاه و مجلسیان به یک‌دیگر دقیق نمی‌نماید:

صورت مذاکرات ... [که] سلسله نامه‌های مبادله شده میان مجلس و شاه در آن ثبت گشته، مگر یک نامه مجلس و جواب شاه به آخرین اعتراض نامه مجلس که سه روز پیش از کودتای نظامی به مجلس فرستاده شد.^{۲۳}

بیش از یک نامه در متن مذاکرات نیامده، اما آخرین نامه مجلس به شاه (پانزدهم جمادی‌الاول ۱۳۲۶)^{۲۴} که دربردارنده نکته‌های مهمی بود، در یادداشت‌های تاریخی مستشارالدوله^{۲۵} آمده و متن «نظام‌نامه مجلس سنا» در نشست سه‌شنبه ۲۳ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ که در آن «نظام‌نامه مجلس سنا

قرائت شد و مسوده آن را به آقایان دادند که ملاحظه نموده ایرادی دارند بکنند^{۲۶}، در سند گنجانده نشده است. شیخ ابراهیم زنجانی در پایان نشست پانزدهم محرم ۱۳۲۵، درباره لایحه‌ای، چنین خواند:

یادداشت قرارداد بانک ملی از بابت استقراض چهار کرور [که در نشست هفدهم محرم ۱۳۲۵ قرائت شد]، آن فصل قانون که قرار بود در باب رشوه نوشته شود، جناب تقی‌زاده صورتی نوشتند [که] در انجمن مذاکره شد... حالا قرائت شود.^{۲۷} [تلگراف دیگری که] سه روز قبل ... از حضرت آیت‌الله آخوند ملا محمدکاظم [خراسانی] در وجوب حمایت و مساعدت و اعانت تمام مسلمین در امر مجلس رسید.

لایحه سوآلی که از طرف جناب حاجی شیخ فضل‌الله در معنی مشروطیت و حدود وظایف مجلس مقدس با جوابی که از طرف مجلس مقدس در این [باره] داده شده بود^{۲۸}، [در پایان نشست سه‌شنبه غره شعبان ۱۳۲۵ خوانده شد].

نظام‌العلماء^{۲۹} در آغاز نشست سه‌شنبه، هفتم رمضان گفت: «دکتر ولی‌الله خان [نصر] که یکی از وکلالت و مدتی است به جهت کسالت حاضر نشدند، لایحه‌ای نوشته‌اند که اگر صلاح دانستند قرائت شود». سید حسن تقی‌زاده در دومین نشست شوال ۱۳۲۵ گفت: «من یک حسابی کرده‌ام و در همین چند روزه لایحه‌ای هم در این خصوص تقدیم مجلس خواهم نمود که کار مجلس در این دوپست روز چه بوده است». بر پایه برخی از شواهد مانند زمان نوشته شدن این لایحه، شاید این لایحه همان باشد که ایرج افشار آن را در اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده آورده^{۳۰}، اما هیچ‌یک از آنها در متن نیامده است.

هم‌چنین نشست سه‌شنبه، پنجم شوال ۱۳۲۵، که در آن «... قراردادی که ... یک نفر مستخدم از برای بانک و مالیه از فرانسه خواسته، ... [و] صورت کتبرات قرائت شد» و «تشکرنامه طایفه زرتشتیان ... از ماده راجعه به تساوی حقوق» در نشست شنبه، یازدهم رمضان ۱۳۲۵ در متن نیست.

اینها مهم‌ترین کمبودهایی‌اند که در متن مذاکرات مجلس اول هست؛ کاستی‌های مهمی که شادروان فریدون آدمیت نیز در دهه‌های پیش به‌درستی بر آنها انگشت نهاد. این کمبودها، فراگیری و اهمیت این سند تاریخی را از میان می‌برد؛ زیرا بیش‌تر، چکیده ناقصی از درون‌مایه تلگراف‌ها و نامه‌ها در آن هست و می‌شاید متن کامل آنها چنان‌که بدانها دسترس باشد، در آن متن بگنجد.^{۳۱} ویراستار محترم گفته‌اند: «این کتاب ویراسته متن کامل مذاکرات نخستین مجلس نظام مشروطه در ایران است»، اما این سخن از دقت تاریخی برخوردار نیست؛ زیرا افزون بر کاستی‌هایی که خواهد

آمد، همه مذاکرات مجلس اول در آن گرد نیامده‌اند. برای نمونه، «متمم قانون اساسی در کمیسیون هفت نفری تدوین شد که مذاکرات آن را ثبت نکرده‌اند»^{۳۳}. هم‌چنین مذاکرات دیگر قانون‌ها در آن نیست. برخی از کاستی‌های مذاکرات که آدمیت در دهه‌های پیش درباره آنها یادآوری کرده و ویراستار به هیچ روی بدانها نپرداخته است، بدین شرح بازخوانی می‌شوند:

مذاکرات مجلس به صورتی که انتشار یافته کم و کسر دارد، گرچه این کاستی‌ها را تا حد زیادی منابع دیگر جبران می‌کنند^{۳۴} که میرزا صالح هیچ‌یک از آن‌ها را وارد نکرده و اشاره‌ای هم به آنها ننموده است. توضیح آن که متن انتشار یافته صورت کامل گفت و شنود مجلس نیست. از صورت مذاکرات کمیسیون‌های مجلس چیز زیادی به دست ما نرسیده، از آنکه اسناد رسمی مجلس در حادثه کودتا و بمباران مجلس از میان رفته، اما از کار سه کمیسیون متمم قانون اساسی، تدوین قانون عدلیه و اصول محاکمات و مالیه به مأخذ مذاکرات مجلس و دیگر مدارک به درجات آگاهی صحیح داریم.^{۳۴}

آدمیت از دید تاریخ حقوق اساسی، دیدگاهی فراگیر به مشروطیت داشت و «به درجات [از] آگاهی صحیح از کار ... کمیسیون متمم قانون اساسی» برخوردار بود. این درجه از «آگاهی صحیح»، به هیچ روی نزد پژوهش‌گران تاریخ حقوق اساسی که مفاهیم آن دوره را می‌جویند، خرسندکننده نمی‌نماید و از این‌رو، کاستی بزرگی در مذاکرات مجلس نخست شمرده می‌شود. آدمیت می‌افزاید:

گفت‌وگویی مجلس در چند قضیه سیاسی مناقشه‌انگیز، به‌عمد از صورت مذاکرات حذف گردیده. در این مورد، خاطرات رئیس وقت مجلس و گزارش‌های مأموران خارجی که در جلسه‌ها حضور داشتند، اخبار درست به دست می‌دهند. دیگر آنکه صورت مذاکرات در هفته بحران سیاسی مقارن کودتای اول (ذی‌القعدة ۱۳۲۵) منتشر نشده، اما پس از آن حادثه، رئیس مجلس هشیارانه، زبده وقایع و تصمیم‌های عمده مجلس را برای «ثبت تاریخ» اعلام کرد که در صورت مذاکرات آمده... . مباحثه مجلس در دو سه جلسه آخر حیات سیاسی آن هم ناقص به چاپ رسیده و بی‌سر و ته است. برخی نکته‌های مهم آن مباحثات در گزارش‌های رسمی خارجی ثبت گردیده [است].^{۳۵}

هم‌چنین مذاکرات درباره قانون‌های وضع شده در مجلس اول، مانند نظام‌نامه انتخابات، قانون مطبوعات و... ثبت نشده‌اند. دریغ که از دید تندنویسان کشمکش‌هایی که بر سر گزینش مفاهیم حقوقی در مجلس اول وجود داشته، به اندازه دیگر سخنان اهمیت نداشته و می‌توان گفت که چیزی از آنها ضبط نشده؛ زیرا بحث‌های دقیق و فنی اندیشه حقوقی نزد آنان درخور ثبت نبوده و از این‌رو، هرگاه از قرائت قانون اساسی یا قانون دیگری بحث شده است، با این جمله کوتاه بی‌هیچ اشارتی

بدان گذشته‌اند: «در این موقع شروع به قرائت نظام‌نامه اساسی شد. پس از قرائت چند ماده، مذاکرات لازمه به میان آمد».^{۳۶}

بنابراین، در متن مذاکرات آن «مجمع بزرگ و انجمن سترگ» و «گنگره عدالت مملکت»^{۳۷} و «بالاترین محکمه عدل، چیزی از درگیری درباره گزینش مفاهیم قانون اساسی مشروطه (نظام‌نامه و متمم) نیست. جمله‌ها و مفهوم‌هایی که در نظام‌نامه و متمم قانون اساسی در کار آورده‌اند و برخی مذاکرات، بر وجود این کشمکش‌ها گواهی می‌دهند».^{۳۸}

چیزی از نشست چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۵، نخستین جشن سالگرد گشایش مجلس شورای ملی، در متن نیست. در آن جلسه «از هیئت دولت و سفرای خارجی و علمای اعلام و وجوه مردم و کسانی که در راه تهیه آزادی، بذل مال و تحمل زحمت کرده بودند، پذیرایی به عمل آمد... محمدعلی شاه هم [که] برای افتتاح جشن... دعوت شده بود... دست‌خطی فرستاد». این دست‌خط شاه در متن نیست، اما برای نمونه، در مقاله «نخستین جشن افتتاح مجلس شورای ملی»، نوشته عبدالحسین نوایی، چاپ شده است.^{۳۹}

نام نمایندگان جز طباطبایی و بهبهانی و شماری دیگر، از بیم آسیب‌هایی که آنان را در بیرون مجلس تهدید می‌کرد، از نشست پنج‌شنبه، ۲۷ صفرالمظفر ۱۳۲۵ تا پنج‌شنبه ۲۳ ربیع‌الاول، در متن مذاکرات نیامده است. این کمبود به کمک سندهای دیگر مانند روزنامه ترقی که «خلاصه مذاکرات مجلس را در مدت آن چهار هفته ... با ذکر نام و کلام منتشر نموده و ابهامی ندارد»^{۴۰} و گزارش نماینده سفارت انگلیس درباره روی‌دادهای مجلس، کمابیش جبران می‌شود. با توجه به اشارات صریح ویراستار به نواقص مذاکرات، شاید وضع کار پیش‌رویش برای او روشن نبوده و نمی‌دانسته باشد متن، چه کمبودهایی دارد که آنها را باید جبران کرد و گرنه، بازگشت او به این سندها، نشدنی و دشوار نبوده است.

حذف برخی از سخنان

تندنویسان و کارگزاران ضبط مذاکرات، به عمد یا سهو عبارت‌ها و جمله‌هایی را از نمایندگان مجلس، حذف کرده‌اند، اما بخش بسیار کوتاهی از آنها در دیگر سندها آمده است. گزارش نماینده انگلیس از نشست ۲۲ صفر ۱۳۲۵ (۶ آوریل)، نمونه‌ای از این دست به شمار می‌رود. پیش از آمدن میرزا علی اصغر خان اتابک، سید حسن تقی‌زاده در پایان سخنانش جمله‌ای گفته که در متن مذاکرات نیامده است: «امین‌السلطان بزرگ‌ترین خائنین است و لقب شایسته او خائن‌السلطان است و باید محاکمه شود».^{۴۱} نمونه دیگر، گزارش نشست بیستم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ است:

در گزارش وزیر مختار انگلیس می‌خوانیم: مخبرالسلطنه وزیر معارف گفت: وزیران پیمان کتبی بستند که با مجلس هم‌کاری نمایند و به کنستی توسیون وفادار باشند و تقاضا کرد که گذشته فراموش شود و همگی برای مقصد مشترک هم‌کاری کنند.^{۴۲}

این جمله‌ها در منابع دیگر آمده، اما ویراستار محترم آنها را ندیده است و در چاپ‌های بعد، با ذکر منبع باید آورده شوند.

نمونه‌های دیگری هست که شاید آرام آرام از این ابهام‌ها بکاهند و تا اندازه‌ای روشن‌کننده باشند. نامه خصوصی مستشارالدوله صادق را به ثقة‌الاسلام (۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵)، از آنها می‌توان برشمرد. وی در آن می‌نویسد: «سیدین حرف‌های نامعقولی زده‌اند که چشم بد دور^{۴۳}». روشن نیست که مستشارالدوله اغراق کرده یا «حرف‌های سیدین» در مذاکرات نوشته نشده است.

نخستین نشست‌های مجلس

متن ویراسته میرزا صالح، از شنبه غره رمضان آغاز می‌شود، اما نخستین نشست مجلس، یکشنبه هجدهم شعبان ۱۳۲۴ برگزار شد و پس از خطابه شاه «وکلا به مذاکره در باب نظام‌نامه داخلی پرداختند و جلسه بعد به روز دوشنبه، نوزدهم شعبان موکول شد^{۴۴}». ویراستار محترم درباره نخستین نشست‌های مجلس، سندها و نکته‌هایی در پایان کتاب آورده است که گنجانده‌شان در آغاز کتاب منطقی‌تر می‌نماید؛ زیرا خواننده روی‌دادها را با خواندن آنها بهتر درمی‌یابد و فهم مذاکرات برایش آسان‌تر می‌شود و نظم منطقی‌تری می‌گیرد. روند تاریخی مذاکرات چنین است:

۱. سند مشروطیت یا همان غلط رایج «فرمان مشروطیت^{۴۵}» در چهاردهم مرداد ۱۳۲۴؛

۲. دست‌خط تکمیلی؛

۳. بازگشت متحصنان و نشست شنبه، ۲۷ جمادی‌الثانی در عمارت مدرسه عالی نظام که چندی برای برگزاری مجلس شورای ملی معین شده بود. مجلس شورای ملی گشایش یافت. خطابه مشیرالدوله صدراعظم و ملک‌المتکلمین. نظام‌نامه اساسی و نظام‌نامه انتخابات (نوزدهم رجب ۱۳۲۴) در همین نشست‌ها (۲۷ جمادی‌الثانی تا هجدهم شعبان)، پیش آغاز نشست مجلس در بهارستان تدوین شد؛

۴. تدوین نظام‌نامه انتخابات و توضیحاتی که در نظام‌نامه پیش‌بینی شد؛ یعنی مجلس با آمدن وکلای تهران برگزار خواهد شد و...؛

۵. مخالفت‌های شاهزادگان و نطق ۲۸ شعبان شاه برای آنان که در متن آمده است؛

۶. خطاب شاه به صدر اعظم و اعلان وی درباره تسریع در انتخابات؛
۷. دعوت برای گشایش مجلس (هجدهم شعبان ۱۳۲۴). خطابه شاه در جشن افتتاح مجلس^{۴۶} نیز در متن نیست و می‌شاید که بر آن افزوده شود.

مقدمه به‌ویژه عنوان فرعی

مشکل دیگری نیز از دید روش سند تاریخی، در این متن خود می‌نماید که از آن نمی‌توان چشم پوشید و آن، مقدمه به‌ویژه عنوان فرعی «توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل» است که ویراستار آن را بر مذاکرات مجلس اول تحمیل می‌کند.

شاید افزودن هر عنوان فرعی بر چنین سند تاریخی؛ یعنی متن مذاکرات مجلس اول مؤسس و قانون‌گذار، کاری غیر تاریخی و بی‌وفا به روش پژوهش تاریخی است. افزون بر این، در گزینش عنوانی فرعی برای اثر نه سند تاریخی، ویژگی‌هایی در عنوان باید باشد. برای نمونه، توجه خواننده را جلب کند و چکیده‌ای از بحث اصلی به شمار رود جان و لب کلام را نمایندگی کند و حتی از دیدی، کلید ورود به کتاب باشد و به خواننده در این کار یاری رساند و موجب سرگردانی او نشود و گرنه، تنها با غور در متن و غواصی در ژرفای آن، به مسئله می‌توان دست یافت. از این‌رو عنوان فرعی «توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل»، به هیچ روی این ویژگی‌ها را ندارد. میرزا صالح و ناشر کتاب توجه نکرده‌اند که ویراستن مذاکرات - که این کار هم درباره متن سامان نیافته است - دست ایشان را برای تحمیل هر عنوانی به‌ویژه چنین عنوان بی‌ربطی، بر میراثی ملی بازنمی‌گذارد. عنوان فرعی وی به جمله‌ای افزوده از خود او می‌ماند و از این‌رو، به تاریخ ستم کرده است.

سخن پشت جلد که در آن توسعه سیاسی، بر توسعه اقتصادی مقدم دانسته شده و این دیدگاه را به مذاکرات مجلس اول مستند کرده است، گذشته از درستی یا نادرستی‌اش، آشکارا با روش تدوین سندهای تاریخی و بی‌طرفی درباره آنها نمی‌سازد. جای چنین نوشته‌ها، پشت و روی جلد این سندها نیست.

نبود نمایه مفاهیم

برخی از مفاهیمی که در مجلس اول آمده و از دید پیدایی مفهوم‌ها و قبض و بسط محتوایی آنها مهم شمرده شده است، بدین شرح عرضه می‌شود:

احکام قانونی نباید استثنا داشته باشد ^{۴۷}	حق نظارت	قانون شرع
آزادی اجتماعات	حقوق بشر	قشون ملی
آزادی روزنامه	حقوق شخصی و حقوق نوعی	قواعد اجرائیه و عرفیه

آزادی مذهب	حقوق عمومی	قوانین شرع
اساس دولت	حقوق مردم	قوانین موضوعه
اصناف	حکم شرعی	کارخانه آدم سازی [دانشگاه]؛
اعتبارنامه	حکم عرفی	کمیسیون تنقیح
امنیت جان و مال	دارالشورای ملی، بالاترین محکمه عدل ^{۴۸}	کمیسیون مالیه
بازار	دماغ شخص [خودسری]	مجلس گنگره عدالت
بودجه سلطنت	راه آهن	مخالف قانون اساسی
پیش قسط [و دیگر اصطلاحهای مالیه]	زکات	مسئولیت وزرا
تحصن	سرباز ملی	مصلحت عمومیه [و دیگر مشتقات آن]
ترقی مملکت	سلطنت مستقله	معنای مجلس
تطبیق با قوانین شرع	سیاست عرفی	: معنای مشروطگی
تعدیل	سیاست مدنی	ملاحظه و توسط
تعیین حدود	سیاست ملکی	ملت
تفاوت عمل	شان و احترام مجلس	ممیزی
تنظیمات	شرط	موازین شرع
جایگاه کیان و پیش‌دادیان	شروط؛	موافق قانون اساسی
جعل قوانین	صرف جیب	: میرزا تقی‌خان امیرکبیر
جمع و خرج مملکت	صورت جزء	نظام‌نامه اساسی
جمهوری	ضعیفه و محترمه [در سخن درباره زنان]؛	نقض عهد
حفظ بیضه اسلام	عُشر	نمایندگی ملی ^{۴۹} [نه محلی]؛
حفظ نظام	عوارضات شهری	هم دستی و همراهی (قوا)؛
حق فوق‌العاده [نابرابری]	قانون اساسی	و کلایبی که سر ساعت مقرر حاضر نمی‌شوند

بنابراین، بهترین شیوه آوردن مذاکرات در نوشته‌های پژوهش‌گران، فراهم کردن نمایه‌های مفاهیم، نام‌ها، جاها، احادیث، آیات قرآن، قواعد فقهی و امثال و حکم و... است تا از دشواری‌های ارجاع به این «سند بی‌بدیل» کاسته شود. نبود چنین نمایه‌ها، از مهم‌ترین کمبودهای پژوهشی در متن مذاکرات مجلس اول به شمار می‌رود. شاید گنجاندن متن مذاکرات در لوح فشرده نیز، پژوهش را در این باره کارآمدتر کند.

نمایه نام‌ها

نام‌های «حسین، حاج آقا میرزا» و «حسین، حاجی میرزا» در مدخل «ح»، آورده شده‌اند، اما هر دوی آنها از آن کسی جز محمدحسین نائینی نیست و نامی از نائینی در مدخل «ن» نیامده و افزون

بر این، همه صفحاتی که نام نائینی در آنها آمده مانند صفحه ۳۴۲، در فهرست ثبت نشده و ویراستار برای نام «صراف، سید محمد»، تنها شماره سه صفحه را آورده و جلوی نام «محمد، حاجی سید»، شماره ۲۰ صفحه را نوشته و کیستی او را پاسخ نداده است. چنانچه او مدعی بوده باشد که وی کسی جز «حاج سید محمد صراف فدایی» است، چگونگی به دست آوردن این نکته را می‌بایست توضیح می‌داد. سید محمد صراف فدایی، از نمایندگان کوشای مجلس نخست بود.

در نشست پنج‌شنبه، ششم صفر ۱۳۲۵، چنین آمده است:

دو نفر از وکلای محترم آذربایجان، ورود به مجلس کرده بودند. آقا میرزا فضلعلی آقا، ایشان را معرفی کردند به این طور: جناب آقای میرزا یحیی امام جمعه خوبی از طبقه جلیله علما ... و آقای حاجی محمد آقا حریری از تجار

در نمایه، صفحه‌های ۷۵ و ۱۲۶ نیز در برابر نام میرزا یحیی امام جمعه خوبی آمده، اما «آقای امام جمعه» در صفحه ۷۵ و «جناب حاجی میرزا یحیی» در صفحه ۱۲۶ که اختلافی میان او و آقا شیخ علی زرنندی در مدرسه سادات بوده است، کسانی جز نماینده آذربایجانند.^{۵۰}

در مدخل «محمد باقر، آقا سید» که مقصود سید محمد باقر سادات اخوی است، صفحه ۳۰۶ نیز آورده شده، اما آقا سید محمد باقر در آن صفحه، سید محمد باقر جمارانی است.

هم چنین «سید محمدتقی تنکابنی»، در صفحه چهارصد در مدخل «محمد تقی، آقا سید^{۵۱}» گنجانده شده و برای کسی به نام «حاجی محمدتقی» که در یزد می‌زیسته و گویی به کوشش کسی به نام مشیر کشته شده است، مدخلی نیست. این نمایه، برآمده از درست نخواندن و حتی نخواندن متن مذاکرات است.^{۵۲}

مدخلی به نام «مرتضی، سید» نیز وجود دارد که مقصود از آن سید مرتضی، شاگرد شیخ مفید (فقیه قرن چهارم) است. در ذیل مدخل «محمد مهدی، آقا شیخ»، مدخلی دیده می‌شود که بنا بر آنچه در مدخل «کرمانشاهی» آمده است، مقصود از آن آقا شیخ محمد مهدی کرمانشاهی خواهد بود، اما وی در متن مذاکرات، آقا شیخ محمد مهدی پیش‌نماز نیز خوانده شده است. «صفا علی» نیز در صفحه ۳۳۲، گویی لقب ظهیرالدوله است که بر این پایه، باهم باید آورده شود. نام نماینده مردم یزد در متن مذاکرات و فهرست اعلام، «عماد الحکماء» و درست آن «عماد الاسلام» است که در فهرست نام‌های نمایندگان نیز هست.

دسته دیگر از کاستی‌ها چنینند:

در مدخل «محمدعلی شاه»، تنها شماره سه صفحه آمده، اما هر جا واژه «شاه» یا درباره ناصرالدین شاه، هر جا اصطلاح «شاه شهید» به کار رفته است، به مدخل‌های آنها می‌بایست افزوده می‌شد. شماره صفحه‌هایی در برابر نام صنایع‌الدوله، احتشام‌السلطنه و ممتازالدوله آمده است که در آنها این نام‌ها دوباره آمده‌اند و از این رو، «رئیس» تا روزی که در مقام ریاست مجلس بوده یا گاهی در جایگاه نایب رئیس (حاج حسین امین‌الضرب و میرزا حسن خان وثوق‌الدوله)، مجلس را می‌گردانده‌اند، به این صفحات می‌بایست افزوده می‌شد. همچنین مدخلی برای نایب رئیس، منشی و مباشر (کارپرداز) نیست.

نمایه نام کسان و جاها آمیخته‌اند. افزون بر این، نام بسیاری از کسان و جاها در این «فهرست اعلام» بی‌سامان آورده نشده یا شماره همه صفحاتی که آن نام‌ها را در بردارند، در برابرشان ثبت نشده یا شماره‌ها به دلیل پیش گفته، نادرست و به جای نام کس دیگری آمده است. برای نمونه، نام‌های زیر در فهرست اعلام نیست:

شاهسون بغدادی ص ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۴۰	ابراهیم شریف ص ۴۹۹
شرکت عمومی ص ۴۲۵	اسامه بن زید ص ۲۶۶
شکاک (طایفه) ص ۳۰۱	اصغر و کاظم دواتگر ص ۲۳۸
شمر ص ۴۰۰	آقا سید علی [سیستانی] ص ۴۷۹
صادق طاهباز رحیم اوف، از نزدیکان حیدر خان عموآوغلی، «صادق آقا» شده است. ص ۳۸۱	امین بیگ ص ۴۲۰
طومانیانس ص ۳۵۱	انجمن اتحادیه اصناف ص ۳۴۹
طیمس [روزنامه تایمز که یادداشتی درباره اسیران قوچان نوشته بود]	انجمن اتحادیه طلاب ص ۲۸۳
عباسقلی خان (فرمانده فوج عرب و عجم) ص ۲۴۷	انجمن اتحادیه فارس ص ۲۳۴ و ۲۳۷
عباسقلی خان نواب ص ۴۰۵	انجمن آذربایجان ص ۴۱۱
عثمان (خلیفه سوم) ص ۳۱۵	انجمن جنوبی ص ۳۸۱ و ۴۶۵
عمر و عاص ص ۳۵۰	انجمن خباز خانه ص ۳۷۱
فولادلو یا پولادلو (ایل) ص ۳۳۷ و ۳۴۴	انجمن سعادت دروازه قزوین ص ۴۴۹
«قزاق» مدخلی ندارد	انجمن ملی اصفهان ص ۴۹۸
قوجا بیگلو [از ایلات مغان] ص ۳۳۹	بشیر الملک ص ۱۷۸
کلهر (ایل) ص ۳۳۷ و ۴۲۱	پلکنیک ص ۲۴۰ و ۲۳۸ و ۲۸۶
لقب فتح السلطان (کشیکچی باشی) در برابر نامش آورده شده است	جعفر قلی خان ص ۲۳۷
متولی باشی ص ۲۵۴	جهانشاه خان صص ۲۴۹ و ۳۹۸
معتمد دیوان ص ۴۵۲	حیل المتین ص ۳۲۸

حضرت امیر علیه السلام ص ۲۶۶ و ۳۱۵	ملا محمد آملی ص ۲۶۳
حضرت صدیقه؛ زهرا (س) ص ۳۷۲	ملا محمد حسین ۳۳۹
روح القدس (روزنامه) ص ۴۸۴ و ۴۸۵	موزیکانچیان ص ۲۵۳
زرتشتیان ص ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۳۵	میر ابوطالب ص ۳۶۷
زعفرانلو (ایل) ص ۲۶۸	میرزا ابراهیم مجتهد شیرازی ۵۰۴
زکی پاشا ص ۳۶۷	نایب حسن ص ۳۰۵
زنگنه (ایل) ص ۴۲۱	وکلاهی آذربایجان
سردار امجد ص ۲۹۲	وکلاهی شیراز
سعدی (شیخ مصلح‌الدین) ص ۵۲۵	یهود و ...
سید العشایر ص ۳۹۶:	
سید عبدالله مجتهد قمی [که با آن علیلی مزاج به مجلس تشریف‌فرما شده بود] ص ۵۳۶	
سید محمد تقی تنکابنی ص ۴۰۰	
سیف العشایر ص ۴۵۲	

شماره صفحه‌هایی در برابر «مؤتمن‌الملک» آمده که در آنها نه نام وی که نام «مؤتمن‌الملک» و «بشیرالملک» گنجانده و صفحه‌ای نیز نادرست ثبت شده است. نام جاهای زیر نیز در فهرست اعلام نیامده است:

امام زاده جعفر ص ۳۸۶	قیطریه ص ۳۴۲ و ۳۵۱
امام زاده صالح ص ۳۹۹	کازرون ص ۳۴۴
بلوک فشاویه ص ۳۸۶	کام فیروز ص ۳۴۵
بندر لنگه ص ۴۹۷	کرکانرود [به خطا «گرگان رود» نوشته شده است]
ترکور و برادوست ص ۳۹۲	کرنده ص ۴۲۱
تمسک ص ۱۵۵	کزاز ص ۲۴۵
جده ص ۴۷۳	مره ص ۲۴۵
جهرم ص ۲۳۷:	کهنه لاهیجان
چاله میدان ص ۵۲۱	گلستان ۵۲۱
چراغ گاز (خیابان) ص ۳۷۲	لاهیجان تازه
سنگلج ص ۲۹۱	لوت ص ۴۰۰
سیلارخور	مجال ثلاثه ۳۸۶
شفارود ص ۲۹۲	مدرسه یونس‌خان ص ۳۴۹
شیروان ۳۴۳	مسجد سه‌سالار ص ۴۶۷
صاحبقرانیه ص ۳۸۰	مسجد نو (شیراز) ص ۳۴۴

صومای [که در سه فرسخی سلماس است]. ص ۳۹۲	مغان ص ۵۴۵
فریمان ص ۳۵۰	ورزقان ص ۲۴۷
قرباغ ص ۲۳۷	یونان ص ۵۰۷
قلعه قطور ص ۳۰۱	

مقدمه هر کتاب به‌ویژه چنین «سند ارجمند»، جایی است که ویراستار آن، دشواری‌های کار پژوهشی و روش‌های گره‌گشایی‌اش را با خواننده در میان می‌آورد و او را به اطمینان‌آوری و استنادپذیری روش خود دل‌گرم می‌سازد. ویراستار این اثر در گفت‌وگوی ناقصی با بی.بی.سی (BBC)، در این باره چنین گفته است:

می‌دانید که مجلس یک بار آتش گرفت و سوخت. بنابراین، صورت جلسات مجلس هم سوخت. فقط آن چیزها که در روزنامه رسمی منتشر شده بود، ماند. منتهی روزنامه رسمی بعضی از جلسات را منتشر نمی‌کرد. از جلسات محرمانه هم که کسی خبر نداشت. به غیر از این گزارش، سه چهار جلسه اصلاً منتشر نشد، ولی خوش‌بختانه یکی از نمایندگان، از این جلسات یادداشت‌هایی تهیه کرده بود. سفارت انگلیس هم گزارش‌های روزانه‌ای از مجلس تهیه می‌کرد. من هیچ‌یک از اینها را از نظر دور نداشت‌ام. با روزنامه صبح صادق هم که مذاکرات را می‌نوشت، منطبق کردم؛ منتهی این روزنامه فقط مهم‌ترین مذاکرات را منتشر می‌کرد.^{۵۳}

روشن نیست که کدام نماینده از این جلسات یادداشت‌هایی فراهم آورده بود. از سوی دیگر، بر پایه سخنان تقی‌زاده بر ضد میرزا علی اصغر خان اتابک و دیگر سخنان وی، بهره‌گیری میرزا صالح از گزارش‌های روزانه سفارت انگلیس، دقیق نیست؛ یعنی چنان‌که پیش‌تر گفته شد، نام برخی از نمایندگان از نشست پنج‌شنبه، ۲۷ صفرالمظفر ۱۳۲۵ تا نشست پنج‌شنبه ۲۳ ربیع‌الاول، در متن مذاکرات نیامده است و این کمبود کمابیش به کمک دیگر سندها مانند روزنامه ترقی که «خلاصه مذاکرات مجلس را در مدت آن چهار هفته ... با ذکر نام و کلاً منتشر نموده [است] و ابهامی ندارد»^{۵۴} و گزارش نماینده سفارت انگلیس از اخبار مجلس، جبران‌شدنی است. اما به هر روی، این کمبودها درباره آن نشست‌ها، همچنان وجود دارند و در نخسه ویراسته تازه نیز از میان نرفته‌اند. افزون بر این، چنانچه ویراستار از سندهای دیگری در کامل کردن مذاکرات بهره برده و جمله‌هایی بر متن روزنامه مجلس افزوده باشد، نخست آنها را در گیومه می‌بایست می‌گذاشت و سپس در پایین صفحه، نشانی کامل سند را می‌آورد، اما دریغ که یک بار چنین کاری صورت نپذیرفته؛ یعنی ویراستار محترم در مقدمه درازدامن خود به هر موضوعی جز موضوعات شایسته طرح و توضیح، پرداخته است. بازگشت

او به ترتیب تاریخی، حتی به نوشته‌هایی مانند تاریخ بیداری، موجب جبران شدن برخی از کاستی‌های کنونی می‌شد.

مهم‌ترین کاستی نمایه نام‌ها، استوار نبودنشان بر پایه نام یا لقب شناخته شده نمایندگان است. فهرست نام‌های تاریخ مشروطه، نوشته احمد کسروی یا تاریخ بیداری، نوشته ناظم‌الاسلام کرمانی، برای اصلاح نمایه نام‌های این سند سودمند می‌نماید.

یک نام با چند صورت

یکی دیگر از مشکلات مهم و برجسته ویرایش این سند، بی‌توجهی ویراستار آن، به آمدن نام یک نماینده در چند شکل است.

برای نمونه، نام سید محمد طباطبایی به صورت‌های زیر دیده می‌شود:

۱. آقای آقا سید محمد مجتهد؛
۲. آقای آ سید محمد مجتهد؛
۳. آقای آقا سید محمد؛
۴. آقای آ سید محمد؛
۵. آقای آقا میر سید محمد مجتهد؛
۶. آقای آقا میر سید محمد؛
۷. آقای آقا میرزا سید محمد مجتهد؛
۸. آقای آقا میرزا سید محمد.

بهتر بود که همه این نام‌ها یک‌سان می‌شدند.

نام نمایندگان

کاستی دیگری که ویراستار، به دلیل دشواری‌های این کار، بهتر دیده است که با آن درگیر نشود، روش، نبودن مقصود از نام برخی از نمایندگان است.

کاستی دیگری که ویراستار، به دلیل دشواری‌های این کار، بهتر دیده است که با آن درگیر نشود، روشن نبودن مقصود از نام برخی از نمایندگان است. نمایندگانی که لقب‌هایی نداشتند، در مذاکرات مجلس به نام کوچکشان خوانده می‌شدند و این شیوه هنگامی که چند نماینده دارای نام کوچک یک‌سان در مجلس حاضر بودند، مشکلی در پی می‌آورد؛ یعنی خواننده نمی‌توانست مقصود را از آن نام دریابد. برای نمونه، نمی‌توانست بداند که مقصود از آقا شیخ حسین، «شیخ حسین تهرانی سقط فروش» یا «شیخ حسین یزدی» است یا حاج محمدتقی، درباره «حاج محمدتقی بنگدار» یا «حاج محمدتقی تاجر دهبنده» یا «حاج محمدتقی شاهرودی» به کار می‌رود یا مقصود از آقا میرزا حسینعلی، «میرزا حسینعلی سیگاری» یا «میرزا حسینعلی ماهروزاده» است یا حاج سید محمد، درباره «حاج سید محمد صراف فدایی» یا «حاج سید محمد ساعت فروش» به کار گرفته می‌شود یا از آقا سید حسن، «سید حسن تقی‌زاده» یا «میرزا سید حسن خان کاشانی» قصد می‌شود و... البته مقصود

از آقا سید حسن، «سید حسن خان کاشانی» است، اما به هر روی، روشنی مقصود در این نمونه، از وظیفه ویراستار نمی‌کاست و او نام نماینده را به روشنی و کامل می‌بایست ثبت می‌کرد.

چند نماینده به نام «محمدتقی» در مجلس اول بوده‌اند:

۱. حاج محمدتقی شاهرودی؛

۲. حاجی محمدتقی بنکدار؛

۳. حاج محمدتقی تاجر دهبنده؛

۴. سید محمدتقی هراتی؛

۵. حاج محمدتقی استرآبادی.

تفاوت آنها با یک‌دیگر، نه در نمایه و نه در متن درباره برخی از آنها، روشن است؛ یعنی نام آنان و دیگران در بیش‌تر جاها، با نام کوچک مانند «محمد تقی، آقا سید»، «محمد تقی، آقا شیخ»، «محمدتقی، حاج»، «محمدتقی، حاجی»، «محمد تقی، حاجی شیخ» آمده که کار بازشناسی آنان را بسیار دشوار کرده است. این، نمونه‌ای از روش رویارویی ویراستار با مشکلات این سند و شیوه گره‌گشایی اوست.

فهرست نام‌های نمایندگان

نام طبقه نمایندگانی که از تهران نیستند، در متن نوشته نشده است. بخشی از این کاستی، با توجه به متن مذاکرات جبران‌شدنی است. نام میرزا صادق خان مستشارالدوله (وکیل آذربایجان)، حاج امجد السلطان از شاهزادگان، میرزا سید مهدی معتمدالتولیه (وکیل مردم حضرت عبدالعظیم) در فهرست نام‌ها نیست. میرزا عبدالرحیم طالبوف، یکی از دوازده نماینده آذربایجان بود که «قرار شد پس از تصفیه کارهای خود به طهران بیاید. افسوس اجل مهلت نداد»^{۵۵}. نام او را همراه با توضیحی درباره‌اش در فهرست می‌بایست می‌گنجاند، اما نام میرهاشم تبریزی «که خود را سر حلقه حکومت کیف مایشایی نموده بود»، در میان نام نمایندگان آذربایجان نادرست آمده است.^{۵۶} میرزا فضلعلی آقا، در نشست شنبه، ششم ذی‌الحجه ۱۳۲۵، هنگام بحث از گزینش جانشینان «نمایندگان مستعفی و متوفی» گفت: «یکی از وکلای آذربایجان هم ما داریم که باید عوضشان انتخاب شود و آن، آقا سید هاشم است. تکلیف این هم باید معلوم شود».

هم‌چنین نام چهار کس در فهرست نام‌های نمایندگانی که به جای نمایندگان مستعفی و متوفی برگزیده شدند، در دو نام گرد آمده است:

۱- امان‌الله میرزا مجدالسلطنه، به خطا در پی هم آمده است و اینها دو نفرند؛

۲- میرزا سلیمان خان بیان السلطنه که نامش میرزا سلمان است که لسان‌الحکما، درباره او و میرزا سلیمان خان گفت: «[آنان] اهل این شهرند و [آنان را] قابل و لایق می‌شناسیم» و در نشست سه‌شنبه، نوزدهم ربیع‌الاول، از آنان برای نشستن در جایگاه نمایندگی نام برد.

آقا سید محمد حسین که در نشست شنبه، نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، در مجلس سخن گفته است. گمان نمی‌رود که او همان سید حسین بروجردی مدیرالاسلام باشد؛ زیرا وی با نام آقا سید حسین در همان نشست، اندکی پس از آقا سید محمدحسین سخن گفت. نام او در لایحه‌ای که سید محمدتقی هراتی^{۵۷} خواند (نشست هفتم رجب ۱۳۲۵)، در کنار برخی از دیگر نمایندگان به صورت «محمدحسین» دیده می‌شود. گفتنی است نماینده دیگری به نام حاج محمدحسین بجنوردی در مجلس اول بود که نامش در نشست پنج‌شنبه، نهم رمضان ۱۳۲۵، در میان غایبان رخ می‌نماید. احتشام الاطبا، نماینده ترشیز در نشست سه‌شنبه، نوزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۶، درباره‌اش چنین گفت:

«حاجی محمدحسین وکیل بجنورد، نُه ماه است رفته و از آن‌جا نوشته‌اند که عوض او انتخاب شود و خودش هم کتباً و تلگرافاً استعفا نامه فرستاده است». به گمان، تندنویسان «سید» را به خطا در آغاز نام «آقا سید محمدحسین» افزوده‌اند و بنابراین، شاید هردو نام، از آن حاج محمدحسین بجنوردی باشد؛

۳- امین‌الرعایا که نامش در میان نام‌های غایبان نشست سه‌شنبه، ۲۸ ربیع‌الاول و شنبه غره و سه‌شنبه، چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، خوانده شد؛

۴- حاج شیخ‌الرئیس از نخستین نشست‌ها در مجلس حاضر بود. در نشست پنج‌شنبه، پنجم شوال ۱۳۲۴، «از ترتیب نان سؤال کردند» و وی در نشست پنج‌شنبه، نهم ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۴ گفت: «همان شب از مجلس رفتم پیش وزیر مخصوص و گفتم که باید طرف به مجازات برسد». به هر روی، در نشست یک‌شنبه، ششم محرم الحرام ۱۳۲۶ که از گزینش نمایندگان جانشین سخن درمیان بود و در این باره سخن گفته شد که از میان شاهدان هم کسی باید برگزیده شود، اسدالله میرزا گفت:

یک روز این حق را به شاهدان می‌دهند و ایشان هم ... چهار نفر را معین کرده، پیش‌نهاد مجلس می‌نمایند، آن وقت می‌گویند این حق با ایشان نیست. خوب بود که از اول این حق را به آن‌ها نمی‌دادند و خود مجلس انتخاب می‌کرد... . شاید یک نفر از آنها، جناب شیخ‌الرئیس باشد.

از این رو، حاج شیخ رئیس، وکیل مجلس نبوده و حضورش در چند نشست مجلس، مانند دیگر نمونه‌ها، بر پایه جایگاه اجتماعی‌اش نه و کالتش از مردم بوده است که این هم از ویژگی‌های مجلس اول به شمار می‌رود و حضور چنین کسانی را در مجلس در جای دیگری باید توضیح داد. نام حسین قلی خان نواب، به خطا در فهرست نام‌ها «حسینعلی خان نواب» نوشته شده است.

نام آقا حسین قلی، در میان فهرست نام‌های نمایندگان نیست. نام او در فهرستی که احمد کسروی به نقل از حبل‌المتین و تاریخ مجلس ملی ایران، آورده، در میان پیشه‌وران آمده است. البته در آن جا نیز نام چند تن نیست. دو مدخل «حسینقلی، آقا» و «حسینقلی، آ میرزا»، در نمایه مذاکرات آمده است و در برابر آنها کمابیش شماره پنج صفحه دیده می‌شود که به گمان، با توجه به گونه و سطح سخنانشان، هر دو، یک نفرند. برای روشن شدن این مسئله، از نام‌های همگون، مانند حسینعلی می‌توان آغاز کرد. جز نام حسین قلی خان نواب که به خطا «حسینعلی خان نواب» آمده، چهار «حسینعلی» در فهرست نام‌ها ثبت شده است:

۱- «میرزا حسینعلی ماهرزاده»؛

۲- «حاج حسینعلی واعظ»؛

۳- «میرزا حسینعلی سیگاری»؛

۴- حاج شیخ حسینعلی دلال.

تنها نام دو «حسینعلی» در «فهرست اعلام» هست: «حسینعلی، آقا شیخ» و «حسینعلی، حاج». بر این پایه، یکی از حسینعلی‌ها، «حسین قلی» باید باشد. نام نماینده مردم لرستان، با توجه به اینکه در بسیاری از جاهای متن مبشرالسلطان آمده، به گمان، صورت درستش همین بوده است نه مشیرالسلطان.

حاجی میرزا آقا مجاهد، که به گواهی مذاکرات، آخوند جاه‌طلبی است، در نشست پنج‌شنبه، شانزدهم صفر ۱۳۲۶ گفت: «این لفظ خلاف که آقای وکیل‌التجار اظهار کردند، زیادی بود... خوب است معذرت بخواهند». وی نماینده مجلس نبود، بلکه از نشست شانزدهم ذی‌القعدة ۱۳۲۵ که هیئت وزیران برای سوگند وفاداری به اساس مشروطیت و قانون‌های اساسی به مجلس رفتند، بدان جا رفته و تا نشست شنبه، دوم ربیع‌الاول ۱۳۲۶ (کم‌تر از سه ماه) در نشست‌ها شرکت کرده بود. سبب حضور او در مجلس روشن نیست. مسائلی از این دست که کسانی بدون داشتن نمایندگی از مردم، در مجلس حاضر می‌شدند و بی آنکه خود را به گرفتن رخصتی از رئیس مجلس نیازمند بدانند، درباره

موضوعات سخن می‌گفتند و رئیس مجلس هم به آنان در این باره تذکر نمی‌داد؛ نمونه‌هایی در مجلس اول دارد که آنها را از دید نظریه نمایندگی در مجلس مؤسس اول باید بررسیید و درباره‌شان توضیح داد.

از سوی دیگر، تنها لقب‌های شماری از نمایندگان بدون آوردن نام کوچک و خانوادگی آنان یاد شده است. آوردن نام کامل نمایندگان ناگزیر می‌نماید؛ زیرا با آوردن نام کامل آنان، این سند را می‌توان کامل کرد و خواننده را در آسان‌تر فهمیدن متن یاری داد و افزون بر این، با این کوشش، متن را پیراسته و روشن ساخت.

هم‌چنین، نام برخی از نمایندگان درست ضبط نشده است. مانند حاج سید محمدحسن ثقة‌الاعلام، نماینده تاجران فارس که «ثقة‌الاسلام» ثبت شده و این خطا به صورت اخیر به متن (نشست پنج‌شنبه، هفدهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۵) نیز راه یافته است. نام حاج سید اسماعیل دبیری اصفهانی، در چند جا مانند نشست‌های پنج‌شنبه، هجدهم ذی‌القعدة الحرام (روز رفتنش به مجلس) و شنبه، چهارم ذی‌الحجه الحرام ۱۳۲۴، به صورت «حاج سید اسماعیل ریزی» دیده می‌شود.

افتادگی‌های برخی کلمات

مشکلات املائی^{۵۸} فراوان این متن، گزارش نمی‌شوند، اما کاستی دیگری از همین دست در آن راه یافته است که با ویراستاری مسئولانه آن، از میان می‌رود. برخی از این کاستی‌ها چنین هستند.

الف) لغزش‌های تندنویسان یا خود نمایندگان

برای نمونه، تلگرافی در نشست پنج‌شنبه، هشتم جمادی‌الاول خوانده شد که درباره‌اش چنین گفته‌اند: «از علمای کرمانشاه به وزارت داخله و حجج‌الاسلام و وکلای عظام رسیده». این تلگراف، بر پایه گواهی آشکار متن، از آذربایجان رسیده بود که قلم تندنویسان درباره‌اش لغزید.

ب) افتادگی‌های برخی از واژگان

بسیاری از کلمات در جای‌جای متن از قلم تندنویسان می‌افتاد و ویراستار آنها را در قالب می‌بایست می‌آورد. برای نمونه، میرزا جواد خان سعدالدوله (ابوالمه)، در نشست یک‌شنبه، نوزدهم ذی‌الحجه ۱۳۲۴، گفته بود:

باید دانست که ما سه چیز داریم که آن را اختیارات ثلاث می‌گویند؛ وضع قانون و حفظ قانون و اجرای قانون. [وضع قانون] با مجلس است و حفظ قانون با دولت و ملت است. اجرای قانون با عدلیه است.

حاجی سید باقر سادات اخوی، در نشست شانزدهم ذی‌الحجه ۱۳۲۴، گفته بود: «چرا [از] وزیر لشگر^{۵۹} پول گرفتند به او کار دادند؟»

هم‌چنین کلماتی در جمله‌ای از سید حسن تقی‌زاده در نشست شنبه، ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۵، نادرست ثبت شده است:

مکرر گفته‌ام، باز هم می‌گوید [«می‌گویم»] نباید [«باید»] وزرا را چسبید. خارج از مشروطیت است [و] تکلیف مجلس نیست اصلاح مملکت را بکند یا اطراف شاه را صحیح نماید. باید فقط وزرا را مسئول بداند.

در گزارش نشست یک‌شنبه، سیزدهم شعبان ۱۳۲۵ آمده است:

وزیر امور خارجه [میرزا جواد خان سعدالدوله]: اینکه گفتم در دیوان‌خانه عدلیه رسیدگی شود، [مقصودم] در مسئله شرکت [بود که] بدون [حضور] مأموری از طرف سفارت [روسیه در عدلیه رسیدگی شود] و [از اینکه گفتم] در وزارت خارجه [رسیدگی شود، مقصودم] حضور مأمور از طرف سفارت در مسئله راه [بود].

ج (نام‌ها یا واژگان آن روزگار

برخی از نام‌ها یا واژه‌ها نزد نمایندگان آن روزگار روشن بوده است، اما خواننده امروزی درباره آنها به توضیح نیاز دارد.

برای نمونه، نام میرزا رضا در نشست یک‌شنبه، نوزدهم ذی‌الحجه ۱۳۲۴، آمده و ویراستار کلمه «کرمانی» را پس از آن در قلاب نیافزوده یا اینکه روی‌دادی از زبان یکی از نمایندگان گزارش شده است (نشست سه‌شنبه، ششم جمادی‌الاول) که نام‌های آمده در آن می‌بایست آشکار می‌شد:

در پا منارجلو خان آقا شیخ محمدتقی [نهماوندی]، نارونی^{۶۰} بوده و این جلو خان مشترک است مابین آقا سید محمدحسن [کاشانی] و آقا سید محمدتقی نهماوندی که به قدس و زهد مشهور است. پسرهای آقا محمدباقر [جمارانی]، نارون را انداخته‌اند و سردر را هم خراب کرده‌اند. امروز مذاکره شد که چرا نارون را بریده و جلو خان را خراب کرده‌اند. یکی از آن آقازاده‌ها، ششلول کشید برای آقا شیخ محمدتقی [نهماوندی] و آقا سید حسن [کاشانی]، وکیل [مردم کاشان] هم خواستند که او را ساکت نمایند، به روی ایشان در آمده، دست ایشان هم زخم شد.

حکمی از حاجی میرزا حسن [سبزواری] درباره دختران قوچان، صادر و در نشست سه‌شنبه، نوزدهم جمادی‌الثانی خوانده شد. نام او در نشست بعد در یک جا به خطا میرزا حسین آورده شده است. سید حسین (بروجردی مدیرالاسلام) در نشست سه‌شنبه، سوم رجب ۱۳۲۵، گفت: «...نظر [علی خان] هم در آن‌جا مشغول قتل و غارت است». تلگرافی از اصفهان به مجلس رسید (شنبه، هفتم رجب) که در بخشی از آن چنین آمده است: «...جمعی ملانمایان به تحریک [میرزا ابراهیم خان] منشی‌باشی، توهین از وکلا و انجمن نموده...». در نشست هفتم شعبان ۱۳۲۵، «جناب رئیس اظهار فرمودند که جناب [میرزا احمد خان] مشیرالسلطنه، با هیئت کابینه جدید برای معرفی آمدند». رئیس مجلس (احتشام‌السلطنه) در نشست «سلخ رمضان ۱۳۲۵» گفت: «از چادر زدن یا نزدن در خانه آقا سید علی [سیستانی] نباید گفت‌وگو کرد و اهمیت داد». وی در نشست یک‌شنبه، سوم شوال ۱۳۲۵ گفت: «...اعتبارنامه‌ای از اصفهان رسیده است در باب وکالت یک نفر [مصدق السلطنه]، چه می‌گویید؟» و در نشست یک‌شنبه، شانزدهم شوال ۱۳۲۵ گفت:

اگر ما بخواهیم که ایران، ایران باشد به طوری که آن مورخ یونانی [هرودت] نوشته که ایران همیشه اهلش جنگ‌جو بوده و در استقلال خود کوشش می‌کرد.

مفهوم «نظام‌نامه»، نمونه دیگر از این دست شمرده می‌شود که دست‌کم درباره «نظام‌نامه اساسی» و «نظام‌نامه انتخابات» به کار می‌رفته است و مقصود از آن در قلاب می‌بایست روشن می‌شد.^{۶۱} ویراستار این «مجموعه فاخر برای پژوهش در تفکر تاریخی و تدوین عصر معاصر ایران»^{۶۲}، آن را با ریزبینی و وسواس نخوانده و از این‌رو، از بسیاری از این نمونه‌ها چشم پوشیده یا بیش‌تر آن را نخوانده است.

لغزش‌های حقوقی

الف (مفاهیم حقوقی

۱. در پانویس صفحه ۷۵۶ آمده است:

رسم بر این بود نمایندگانی که در طی این دوره استعفا می‌داده یا فوت می‌کردند، جانشین آنها از طرف نمایندگان همان محل انتخاب می‌شد.

این شیوه‌گزینش نه «رسم» یا عرف که فرمان قانون به شمار می‌رفت؛ زیرا ماده دوازدهم نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی، این روش‌گزینش را پیش‌بینی کرده بود:

هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید و بیش از شش ماه به انتخابات جدید باقی باشد،^{۶۳} اعضای مجلس به جای او یک نفر از اهل ایالت خودش انتخاب خواهند کرد.

باری، زبان حقوقی ویراستار در گفت‌وگویش با بی.بی.سی به مناسبت چاپ مذاکرات مجلس اول، به گونه دیگری باز هم از چارچوب دقت بیرون رفته و چنین گفته است: «در واقع کاری که قانون مدنی کرد این بود که جرم و مجازات را یک‌پارچه کرد!»

۲. وی در مقدمه خود می‌نویسد:

مجلس ملی در رویاویی با بزرگ‌ترین بحران دوره بیست ماهه فعالیت خویش؛ یعنی تحصن یکی از نمایندگان در «زاویه حضرت عبدالعظیم» نیز شیوه گفت‌وگو با جناح مخالف را ترک نگفت.^{۶۴}

نه شیخ فضل‌الله و نه بهبهانی و طباطبایی، هیچ یک «نماینده» نبودند. چنان که شیخ‌الرئیس و حاجی میرزا آقا مجاهد، وکیل مجلس نبودند. این توضیح درباره حضور آنان در مجلس اول، با مفهوم نمایندگی سازگار نیست. این حضور را با مفاهیم دیگری جز نمایندگی باید روشن ساخت. هرچند آن دو سید پس از پذیرفتن نمایندگی مسیحیان و یهودیان، به جرگه نمایندگان درآمدند^{۶۵}، این نکته را از مسائل تاریخ حقوق اساسی یا تاریخ مشروطه‌خواهی باید شمرد. این دعوی درباره وضع احتشام السلطنه نیز اثبات شدنی است. او بدون اینکه به نمایندگی برگزیده شده باشد، در نشست شنبه، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، در مجلس حاضر شد و در بحث شرکت کرد. هم‌چنین برای نمونه، سید عبدالله بهبهانی در نشست سه‌شنبه، چهاردهم ذی‌الحجه ۱۳۲۴، گفت:

... آن روزی که وکلا خواستند برای حضور وزرا و همراهی ایشان چیزی بنویسند، من آن روز اسائه ادب کردم و نگذاشتم که ایشان بنویسند. گفتیم باشد که ما بنویسیم. ما هم عریضه‌ای در کمال رعایت ادب و متانت به حضور مبارک پادشاه روانه داشتیم...

وثوق‌الدوله بر سخن وی افزود: «...آقایان نوشتند حالا هم باید مجلس بنویسد و تکلیف بخواهد».

سخن وثوق‌الدوله از این‌رو معنادار است که «آقایان» در کنار «مجلس» آورده شده‌اند. علما، خود را به سازکارهای مجلس محدود نمی‌کردند و از روش‌های خود نیز بهره می‌گرفتند. این سخن، به انگیزه دآوری درباره تلاش‌های آنان ادا نمی‌شود، بلکه تنها توضیح می‌دهد که ماجرای این حضور و تلاش‌ها، به روشن کردن مفهوم نمایندگی در جنبش مشروطیت نیازمند است. چرایی حضور علما و دیگر کسان را مانند احتشام‌السلطنه و...، در مجلس بنیادگذار اول، با همین گفتار می‌توان پاسخ گفت. هر اندازه بر عمر مجلس افزوده شد، این تأثیرگذاری به سود کانونی شدن (محوریت) نهاد مجلس دگرگون گشت و از نفوذ کسانی چون بهبهانی فروکاست. وزیر جنگ با آگاهی از این ویژگی بهبهانی، با او نه رئیس مجلس سخن می‌گفت.^{۶۶}

۳. برخی از شخصیت‌های مجلس اول، در سنجش با تأثیرگذاری‌شان در برپایی نهادها و رواج مفهوم‌های حاکمیت قانون، از دید تاریخ مشروطه‌خواهی، کارنامه‌ای متفاوت با ارزیابی پژوهش‌گران تاریخ مشروطه درباره کوشش‌های آنان دارند. ویراستار محترم، یکی از این کوشندگان را «حرف‌ترین نماینده» خوانده است.^{۶۷} این سخن دست‌کم، درباره «حرف‌های» وی در مجلس اول، ناروا و نادرست می‌نماید. شاید روی کردی از دید تاریخ مشروطه‌خواهی که مفهوم‌ها و جداسازی‌های ریزبینانه‌تری عرضه می‌کند، بر برخی از گوشه و کنار روی داده‌های مجلس نخست روشنایی بیفکند و نکته‌هایی تازه در این باره آشکار سازد. کارنامه سید حسن تقی‌زاده از این دید، درخور بررسی بیش‌تر و دقیق‌تر است. حضور مؤثر او را در مجلس مؤسس و قانون‌گذار اول، از دید مفهوم مشروطه‌خواهی به‌ویژه کارکرد پارلمان و مفهوم «مسئولیت وزیران»، در پژوهش جدایی باید بررسیید و درباره‌اش سخن گفت.

ب) خطا در متن قانون

۱. نظام‌نامه اساسی

واژه‌ها و عبارات‌های درست، پس از واژه‌ها و عبارات‌های نادرست در قلاب آمده‌اند: «مجلس در هر جا نقصی [نقضی] در قوانین...»^{۶۸}؛ «...رئیس مجلس می‌تواند... انجمن محرمانه‌ای مرکب از عده منتخبین [منتخبی] از اعضای مجلس تشکیل بدهد...»^{۶۹}؛ «اگر مجلس محرمانه تقاضای [به تقاضای] رئیس مجلس بوده...»^{۷۰}؛ «هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس به مصلحتی همراه نشده باشد [نشود]، باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند»^{۷۱}؛ «... مگر مطالب محرمانه و مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد»^{۷۲}.

۲. متمم قانون اساسی

ویراستار، «متمم قانون اساسی» را «قانون اساسی» خوانده است که درست و دقیق نیست. جایگزین‌های درست در اصل‌های این متمم بدین شرحند:

«علمای اعلام» در اصل دوم؛

«رجوع داد» در اصل یازدهم؛

«اقامت در» در اصل چهاردهم؛

واژه «اصل» در اصل ۳۱ زائد است: «یک نفر نمی‌تواند در زمان واحد عضویت هر دو اصل

مجلس را دارا باشد»؛

«تلگرافی» در اصل ۲۳.

فهرست آیات، احادیث و قواعد فقهی

متن برخی از آیات و احادیث، درست ثبت نشده است.

شاید این نادرستی برآمده از خطای تندنویسان باشد. برای نمونه، آقا سید هاشم تبریزی در نشست هفتم ذی‌الحجه این دعاها را خواند: «اللهم افتح لنا تنصر تعزیها الاسلام و اهله و نزل بها النفاق و اهله». صورت درست و کامل این دعا چنین است:

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام و اهله و تذلل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاء الي طاعتك و القادة الي سبيلك.

میرزا فضلعلی آقا تبریزی در نشست شنبه، دوازدهم ربیع‌الثانی گفت: «علی الاسلام فلیسیک الیاکون» که صورت درست آن، این است: «و علی الاسلام، فلیبک الیاکون»^{۷۳}. هم‌چنین در نطق سوم جمادی‌الاول همین نماینده، قاعده «الضرورات تبیح المحذورات» آمده و واژه «مبیح» به جای «تبیح» ثبت شده است. حاج میرزا علی آقا مجتهد در سخن با مخالفان مجلس که «در صدد تخریب قائمه اساس اسلام» بودند، این آیه را نقل کرد: «و لو و آو رُدُّوا لَعَادُوا لِمَارِدٍ وَلِعَادُ وَ الْمَانِهُوا عَنْهُ»، اما صورت درست آن، «و لو و آو رُدُّوا لَعَادُوا لِمَارِدٍ وَلِعَادُ وَ لِمَا نَهَوْا عَنْهُ»^{۷۴} است. تلگرافی از استرآباد (یک‌شنبه، ۲۵ جمادی‌الاول) در مجلس خوانده شد که در آن دو آیه آمده بود:

و من لم یجعل الله که [له] نوراً فما له من نور؛^{۷۵}

انما جزو الدین بحاربون [جزء الدین یحاربون] الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلوا [یصلبوا] او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض.^{۷۶}

این آیه در صفحه ۳۱۵ نیز نادرست آمده است. آیه «و یمکرون و یمکرالله و الله خیر الماکرین»^{۷۷} در یکی از نامه‌های مهم «در معنی مشروطیت» آمده و عبدالله مازندرانی در مخالفت با فضل‌الله نوری آن را برای مجلس نوشته و در نشست هفتم رجب ۱۳۲۵ خوانده شده است.

باری، تدوین فهرستی از آیات و احادیثی که بنیادگذاران مجلس اول در کار آورده‌اند و جاهایی که در آن، مأثورات را به کار برده‌اند، از دیدگاه مشروطه‌خواهی مهم و ناگزیر است؛ زیرا باید دانست که مشروطه‌خواهان تا چه اندازه از سنت برای حد (قید) زدن بر قدرت مطلقه بهره برده‌اند و چه دگرگونی در فهم آنان از سنت در آن کارزار پدید آمده است. تدوین نظریه مشروطه‌خواهی (حقوق اساسی) در ایران، در پی کوششی در این باره سامان خواهد یافت. ژرفنای این سخن، صورت دیگری

است از «ضرورت گذر از حقوق شرع به حقوق جدید» و گذر از مفاهیم فقهی به مفاهیم حقوق عمومی، همچون راهی که به تأسیس حقوق عمومی در ایران می‌انجامد.

فهرست ضرب المثلها

«من جربّ المجرّب، خلّت به الندامه»^{۷۸} این مثل را شیخ یوسف شیرازی در معنای مشروطه‌خواهانه و سیاسی‌اش به کار گرفت. این یک نمونه، خود نشان‌دهنده این است که تدوین تاریخ مشروطه‌خواهی، تدوین دیگر بخش‌های «فرهنگ مشروطه‌خواهی» را نیز در بر می‌گیرد. این فقره، تنها سر فصلی است که آیندگان بر آن باید بیفزایند.

فهرست مطالب

فهرستی برپایه نشست‌های مجلس باید سامان داد. یادآوری می‌شود که خطایی در فهرست مطالب (افزوده‌ها) در ترتیب صفحات رخ داده است.

عکس

تصویری از حیاط مجلس در بهارستان در پایان کتاب چاپ و زیر آن نوشته شده است: «جمعی از نمایندگان مجلس اول». شاید این عنوان برای این عکس دقیق نباشد. از شیوه نشستن و جای گرفتن افراد و با توجه به چهره‌های آنان و... می‌توان دانست که این تصویر، نه نماینده نمایندگان، که تصویری از مردمانی است که به دلایل گوناگونی در حیاط بهارستان گرد می‌آمدند. مانند تجمع اصناف پس از ترور میرزا علی‌اصغر خان اتابک امین‌السلطان. شاید آوردن تصویری از تک تک نمایندگان نیز روشن‌کننده باشد.

نام قدیم ماه‌های سال

فرمان‌روایان ترک‌تبار ایرانی همچون صفویان، افشاریان و پادشاهان قاجار، از نام‌های ترکی کهن را در «تقویم ختائی»، برای سال‌ها به کار می‌بردند. این نام‌ها در جای‌جای متون تاریخی ایران تا اوائل سده بیستم میلادی به چشم می‌خورد:

سپچقان ئیل (سال موش)؛	یونت ئیل (سال اسب)؛
اود ئیل (سال گاو)؛	قوی ئیل (سال گوسفند)؛
بارس ئیل (سال پلنگ)؛	پیچی ئیل (سال میمون)؛
توشقان ئیل (سال خرگوش)؛	تخای ئیل ^{۷۹} (سال مرغ)؛
لوی ئیل (سال نهنگ)؛	ایت ئیل (سال سگ)؛
ییلان ئیل (سال مار)؛	تونگوز ئیل (سال خوک).

این نام‌ها در مصوبات مجلس شورای ملی پیش از ۱۳۰۴ خورشیدی نیز به کار می‌رفت تا اینکه مجلس شورای ملی، قانونی با عنوان «قانون تبدیل بروج به ماه‌های فارسی»^{۸۰} تصویب کرد (یازدهم فروردین ۱۳۰۴ خورشیدی / ۳۱ مارس ۱۹۲۵ م). این ماه‌ها در متن مذاکرات نیز آمده است و ناگزیر درباره آنها باید توضیح داد.

نتیجه

ویراستن و چاپ دوباره سند تاریخی «مذاکرات مجلس اول»، از دید روش‌شناسی در فرایند ویژه‌ای باید سامان می‌گرفت؛ یعنی ویراستار آن با توجه به کاستی‌های این سند، با رویکرد کامل کردن آن و تا اندازه امکان‌پذیری، استقلال دادن به آن، با آوردن سندهایی که با آن مذاکرات، مستقیم پیوند خورده‌اند در متن و با پیوستن برخی از سندهایی که نامستقیم با آنها مرتبطند، این کار را می‌بایست آغاز کرد. روش مند نبودن در روبه‌رو شدن با متن و روشن نبودن اندیشه ویراستار درباره آن و کاستی‌هایش و کاری که پیش روی داشته، به پی‌آمد ناکارآمدی انجامیده؛ زیرا نزد او تنها چاپ شدن مذاکرات مجلس اول در صدمین سالگرد آن مطلوب بوده است. بنابراین، متن ویراسته وی، با متن صدسال پیش متفاوت نیست یا حتی کمبودهای بیش‌تری دارد. مسئولیت ناشر نیز در این کار پرمشکل، کم‌تر از ویراستار نیست.

بی‌گمان، نمره منفی این کار در کارنامه هر دوی آنها ثبت می‌شود. مذاکرات مجلس در وضعی دنبال می‌شد که شاید بخشی از تجربه مهم مشروطه نزد ایرانیان باشد؛ تجربه‌ای که سهمش تنها سخنان پر طُمطراق است.

ویراستار این جُنگ گفته است: «در انتشار کتاب قدری تعجیل کردم»^{۸۱}، اما گویی در ویراستن آن بیش از این اندازه، شتاب کرده است؛ زیرا برای خواندن ناویراستارانه این سند نیز بسیار زمان باید صرف کرد. بر آمدن از عهده چنین متنی و سامان‌دهی کار درخور درباره آن، در توان یک تن نیست و نه تنها کار غلامحسین میرزاصالح که وضع ناگوار پژوهش را در ایران باید نقد کرد که چنین سندهایی در این وضع بی‌سامان چاپ می‌شوند. این نقد به انگیزه دنبال شدن کار او و بهتر و کامل‌تر کردن مذاکرات مجلس اول بر کاغذ نشست. سامان‌دهی چنین طرح‌هایی (مذاکرات مجالس مشروطه)، بر گروه‌ها و نهادهای پژوهشی است و نظام پارلمانی ایران، ناچار خود را در آینه تاریخ باید ببیند و به‌ویژه از تجربه مجالس مشروطه و پیش از همه آنها مجلس اول، برای آشنایی و آگاهی به نهاد مجلس در ایران بهره‌گیرد.

منابع و مأخذ

۱. آدمیت، فریدون، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات پیام. (۲۵۳۵ شاهلی)
۲. (بی‌تا)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*؛ مجلس اول و بحران آزادی، تهران، انتشارات روشنگران.
۳. افشار، ایرج، *اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده*، تهران، انتشارات جاویدان. (۱۳۵۹)
۴. امیر ارجمند، سعید، *قانون اساسی، انقلاب مشروطیت* (مقاله‌های دانش‌نامه ایرانیکا)، ترجمه پیمان متین، انتشارات امیرکبیر. (۱۳۸۳)
۵. تقی‌زاده، سید حسن، *زندگی طوفانی (خاطرات)*، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهار. (۱۳۷۲)
۶. تکمیل همایون، ناصر، *مشروطه‌خواهی ایرانیان* (مجموعه مقالات)، بی‌جا، مرکز بازشناسی ایران و اسلام. (۱۳۸۳)
۷. خراسانی، محمدکاظم، *سیاست‌نامه خراسانی*، به کوشش محسن کدیور، بی‌جا، انتشارات کویر. (۱۳۸۵)
۸. کرمانی، ناظم‌الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران با هم‌کاری انتشارات آگاه و لوح ایران. (۱۳۵۷)
۹. کسروی، سید احمد، *تاریخ مشروطه*، بی‌جا، چاپ هفدهم، انتشارات امیرکبیر. (۱۳۷۳)
۱۰. مدرسی، محمد و ...، *آشنایی با تاریخ مجالس قانون‌گذاری در ایران*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۸۴)
۱۱. مستشارالدوله، میرزا صادق خان، *یادداشت‌های تاریخی، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات فردوسی. (۱۳۶۱)
۱۲. سلطانی، سید ناصر، «درآمدی بر رویکرد غیر تاریخی به حقوق اساسی در ایران»، *مجلس و پژوهش*، سال چهاردهم، ش ۵۶.
۱۳. لوح قانون، ش ۲، مرکز پژوهش‌ها.
۱۴. پایگاه اینترنتی خبرگزاری (BBC) <http://www.bbc.co.uk/persian>

پی‌نوشت‌ها

۱. ایدئولوژی نهضت مشروطیت / ایران، ص ۱۷،

2. Enseignement fondamental

۳. مذاکرات مجلس اول از هجدهم شعبان ۱۳۲۴ آغاز شد و تا شنبه، بیستم جمادی‌الاول ۱۳۲۶ دنبال شد. این مذاکرات در متن ویراسته میرزا صالح، از شنبه، غره رمضان ۱۳۲۴ آغاز شده و درباره نشست پایانی آن، در برخی از رسائل مشروطیت، تاریخ سه‌شنبه، ۲۳ جمادی‌الثانی آمده است. ر. ک: رسائل مشروطیت، مکالمات مقیم و مسافر، ص ۴۳۱. به دلیل این کمبود، نکته‌هایی از آن نشست‌ها که در برخی از سندها و خاطره‌ها آمده است، در پانویس با ذکر منابع باید آورده شود.

۴. نویسنده مقاله، برای نوشتن پایان‌نامه مستر تاریخ حقوق متن مذاکرات را با عنوان مفهوم قانون اساسی در مذاکرات مجلس مؤسس اول خوانده و از این روی که از همان آغاز آن را پر اشکال دیده، کاستی‌ها و لغزش‌هایش را ثبت کرده و بنابراین، خواندن آن پس از چند ماه به پایان رسیده و زمینه‌ای برای آموختن درس‌هایی از تاریخ حقوق اساسی ایران از آن مجمع بزرگ و انجمن سترگ ... روح و روان این ملت فراهم آمده است. این توصیف از سید عبدالحسین شهشهانی در جلسه شنبه، نوزدهم شعبان ۱۳۲۵ نقل شد.

۵. در متن هروی آمده است.

۶. مذاکرات مجلس اول، یک‌شنبه نوزدهم ذی‌الحجه، ۱۳۲۴

۷. معلوم نبودن نام نماینده به این دلیل است که در بخشی از دوران کار مجلس اول مشروطه، به دلیل حفظ امنیت نمایندگان، نامشان در روزنامه مجلس نوشته نمی‌شد.

۸. مذاکرات مجلس اول، پنج‌شنبه یازدهم ربیع‌الاول، ۱۳۲۵

۹. مذاکرات مجلس اول، سه‌شنبه ۲۷ جمادی‌الاول، ۱۳۲۵

۱۰. در متن مذاکرات، سید محمدتقی هروی آمده است.

۱۱. مذاکرات مجلس اول، سه‌شنبه پنجم جمادی‌الثانی، ۱۳۲۵

۱۲. تقی‌زاده، زندگی طوفانی، ص ۶۳

۱۳. مجلس از همین روی کمیسیون عریضی پدید آورد که وظیفه‌اش بررسی عریضه‌های رسیده به مجلس و عرضه عریضه‌های مذاکره‌شده به اعضا بود. این کمیسیون هم‌چنین هفته‌ای یک بار فهرستی از دیگر عریضه‌ها می‌بایست سامان می‌داد و چکیده‌اش را به مجلسیان می‌داد.

۱۴. تاریخ بیداری، ج ۲، ص ۹۰ - ۹۱ محسن کدیور این سند را به نقل از مذاکرات دارالشورای ملی (چهارم محرم ۱۳۲۵)، روزنامه رسمی، ش ۸۲، روزنامه مجلس، سال اول، ش ۴۲ (هفتم محرم ۱۳۲۵)، روزنامه انجمن تبریز، سال اول ش ۳۸ (هجدهم ذی‌الحجه ۱۳۲۴) صص ۱-۲ و... آورده است.

۱۵. نشست هفتم ذی‌الحجه، ۱۳۲۴

۱۶. نشست شانزدهم ذی‌الحجه، ۱۳۲۴

۱۷. نشست نوزدهم ذی‌الحجه، ۱۳۲۴

۱۸. خراسانی، *سیاست‌نامه*، ص ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۴ و ۱۷۷. یکی از این سندها، نامه سید جعفر شیرازی و شیخ حسین یزدی به علمای نجف بود که در متن، تنها پاسخ علما آورده شده است.
۱۹. حسن تقی‌زاده لفظ مشروطه، اطلاعات ماهانه، مرداد ۱۳۳۳، به نقل از *مشروطه‌خواهی/ایرانیان*، صص ۳۱ - ۲.
۲۰. هیئت نمایندگان که نامه را می‌بایست به شاه می‌دادند.
۲۱. نشست سه‌شنبه، سوم رجب، ۱۳۲۵.
۲۲. از این چکیده نیز چیزی در مذاکرات نیامده است.
۲۳. فریدون آدمیت، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت/ایران*، ج ۲، ص ۱۷. پژوهش‌گران با توجه به آنچه درباره نامه‌های آخوند خراسانی آورده شد، به دقت کار ویراستار (میرزا صالح) باید بدگمان باشند.
۲۴. نشست شانزدهم جمادی‌الاول ۱۳۲۶. این سخن آدمیت دقیق نمی‌نماید؛ زیرا مجلس در بیستم جمادی‌الاول نیز نشست برگزار کرد.
۲۵. ایرج افشار، *یادداشت‌های تاریخی مستشارالدوله*، صص ۱۴۸ - ۱۴۴. تاریخ نوشته شدن نامه در نسخه ایرج افشار، پانزدهم جمادی‌الاول ۱۳۳۶ هجری قمری و نادرست است. این نامه را مستشارالدوله با مقدمه‌ای بر آن در مجله آینده، سال سوم (۱۳۲۳ هـ) چاپ کرد. مقاله مستشارالدوله در جنگی که ناصر همایون به تازگی آن را باغ نوان مشروطه‌خواهی ایرانیان گردآوری و دوباره چاپ کرده، این خطا تکرار شده است.
۲۶. نشست شنبه، هفدهم محرم، ۱۳۲۵.
۲۷. نشست بیستم محرم، ۱۳۲۵.
۲۸. عبدالله مازندرانی نیز به این لایحه پاسخ داد که در نشست هفتم رجب ۱۳۲۵ در مجلس خوانده شد.
۲۹. نام نظام‌العلماء در میان فهرست نمایندگان نیست. شاید مقصود ناظم‌العلماء ملایری بوده باشد که تندویسان آن را به خطا نظام‌العلماء نوشته‌اند. در فهرست العام در برابر نام وی، شماره دو صفحه نوشته شده که کامل نیست؛ زیرا این نام در صفحه ۴۴۶ نیز آمده است. نظام‌العلماء صفحه ۲۸۵ نیز از معتمدان زنجان به شمار می‌رفت که شیخ ابراهیم زنجانی او را به تلگراف‌خانه خواسته بود. نام وی در فهرست اشخاص تاریخ‌بیداری ایرانیان، نظام‌العلماء اما در صفحه خودش صدرالعلماء است.
۳۰. ایرج افشار، *اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده*، ص ۷۳.
۳۱. نویسنده در آینده فهرستی از سندهای دربردارنده مذاکرات مجلس اول منتشر خواهد کرد.
۳۲. فریدون آدمیت، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت/ایران*، ص ۴۰۸.
۳۳. آدمیت در جای دیگری هم این سخن را بازمی‌گوید. دعوی کافی نبودن منبع درباره مشروطه، بیهوده است؛ زیرا این گفته آدمیت از دید تاریخ مشروطه خواهی و برای نمونه، برپایه ثبت نشدن مذاکرات کمیسیون هفت‌نفری تدوین متمم قانون اساسی سخنی دقیق و تهی از رخنه نیست.
۳۴. *مجلس اول و بحران آزادی*، ص ۱۶.
۳۵. همان، ص ۱۶.

۳۶. نشست دوشنبه، هشتم شعبان ۱۳۲۵. در نشست‌های زیر تنها این جمله‌ها آمده است: پنج‌شنبه، هفدهم شعبان شروع به قرائت قانون اساسی شد. بعد از قرائت قانون... شرح عریضه‌ای که درخصوص انجمن‌ها به حضور همایونی عرض شده و جواب دست‌خطی که صادر کرده بودند، مقرر فرمودند قرائت شد یا در نشست شنبه ۱۹ شعبان: شروع به قرائت قانون اساسی شد. پس از قرائت چند ماده، لایحه‌ای از طرف انجمن سردارها... قرائت کردند. نشست سه‌شنبه ۲۲ شعبان بدوا مذاکره در این شد که به واسطه اهمیت قانون اساسی باید در دفعه سوم هم قرائت شود و هر کس ایرادی دارد اظهار نماید؛ چه بسا مطالبی که در دفعه سوم به خواطر خطور می‌کند. البته باید مذاکره شود، اگر مخالف شرع نباشد، قبول شود و الا ترک شود. قرار به همین شد و شروع به قرائت قانون اساسی شد. پس از قرائت چند ماده، جناب رئیس تشریف آورده، فرمودند: امروز کارهای خیلی لازم داریم. انجمن امرا می‌خواهند به مجلس بیایند و همگی در مجلس علنی قسم یاد نمایند که با این اساس کمال مساعدت را داشته باشند. نشست پنج‌شنبه، ۲۴ شعبان شروع به قرائت قانون اساسی شد. در این موقع حضرت والا شاهزاده ظل‌السلطان به مجلس مقدس ورود نموده... اعضای محترم اظهار امتنان نموده، حضرت والا پس از یک ربع ساعت، مجدداً تریک گفته برخاستند. ماده‌ای که مطرح مذکره بود به اتمام نرسیده، مجلس ختم شد. عصر امروز سه به غروب مانده مجلس منعقد شد. در همان ماده که صبح مذاکره داشتند، او را به عبارتی کافی و جامع نوشته، قرائت شده از مجلس گذشت. چند ماده دیگر از قانون اساسی قرائت شد و تصحیح شد.

هم‌چنین این جمله درباره قانون مطبوعات که در نشست سه‌شنبه، هفتم و نهم رمضان ۱۳۲۵ قرائت شد، بدون تغییر در پایان هر دو جلسه آمده است: شروع به قرائت قانون انطباعات شد. چند ماده از آن قرائت و تصحیح شد. مجلس ختم شد.

۳۷. این وصف از آن میرزا یحیی، امام جمعه خوی، نماینده آذربایجان در مجلس اول است. او در چند جا، مجلس بنیادگذار را کنگره عدالت خوانده است. برای نمونه، در نشست‌های یک‌شنبه، ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ و سه‌شنبه، ۲۸ رمضان ۱۳۲۵ گفت: من می‌گویم این مجلس، کنگره عدالت این مملکت است.

۳۸. ر. ک: درآمدی بر رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران، مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، ش ۵۶، ۳۹. عبدالحسین نوایی (امیر)، نخستین جشن افتتاح مجلس شورای ملی، به نقل از ناصر تکمیل همایون، مشروطه‌خواهی ایرانیان، ص ۳۵۸.

۴۰. مجلس اول و بحران آزادی، ص ۱۶.

۴۱. همان، ص ۵۶. در گزارش اخبار مجلس، با تصریح به نام سخنران، لقب خائن السلطان به حرف‌های لاتین ثبت شده است.

۴۲. همان، ص ۵۹.

۴۳. همان، ص ۱۰۵، درباره این ماجرا، ر. ک: نشست‌های ۲۱ و ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵.

۴۴. مذاکرات مجلس اول، ویراسته میرزا صالح، ص ۷۶۵.

۴۵. ر. ک: درآمدی بر رویکرد غیرتاریخی به حقوق اساسی در ایران، مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، ش ۵۶.

۴۶. منت خدای را که آنچه سال‌ها در نظر داشتیم، امروز - به عنوان الله تعالی - از قوه به عمل آمد..

۴۷. میرزا طاهر، نشست هفدهم محرم و وثوق الدوله، نشست یازدهم صفر، ۱۳۲۵
 ۴۸. دارالشورای ملی، بالاترین محکمه عدل است. هیچ کس نمی تواند حکم او را رد کند و برخلاف آن رفتار نماید. میرزا صادق خان مستشارالدوله، نشست یک شنبه، سیزدهم شعبان، ۱۳۲۵
 ۴۹. سعدالدوله (ابوالمله) در یکی از نشست ها گفت: من آن میرزا جوادخان سعدالدوله نیستم. من وکیل از جانب سی کرور نفوسم. نشست پنجشنبه نهم ذی الحجه ۱۳۲۴. این دسته از جملات که نشان دهنده ظهور مفهوم نمایندگی ملی اند، در جای جای مذاکرات دیده می شوند. میرزا یحیی امام جمعه خوبی در نشست سه شنبه چهارم ذی العقده ۱۳۲۵ گفت: از وکلا می پرسم که ما خود را وکیل عموم ملت و مسئول خدا می دانیم یا نمی دانیم یا این که فقط هر کدام خود را وکیل شهر خودمان می دانیم؟ اگر خود را وکیل تمام مملکت می دانیم، امروز چهل روز بلکه دو ماه است که شیراز یک قطعه از خاک این مملکت است، حاکم ندارد و هر چند روز یک دفعه هیجانی نموده باز ساکت می شویم. آخر شما وکیل تمام مملکت هستید!

۵۰. مستشارالدوله در خاطراتش می نویسد:

از دوازده نفر نماینده آذربایجان... دسته اول هفت نفری عبارت از حاج میرزا فضلعلی، هدایت الله میرزا، احسن الدوله، حاج میرزا ابراهیم، حاج میرزا آقا، شرف الدوله و نگارنده به تاریخ ۲۴ ذی الحجه ۱۳۲۴ هجری قمری از قفقاز عازم طهران شدیم. دسته دوم امام جمعه خوبی و حاج محمدآقا حریری پس از یک دو ماه به طهران آمدند. ر. ک: *خاطرات مستشارالدوله*، صص ۲۴-۲۵.

۵۱. این مدخل از آن سید محمدتقی هراتی است.

۵۲. برای نمونه، ر. ک: مدخل محمد حسین.

53- <http://www.bbc.co.uk/persian>.

۵۴. *مجلس اول و بحران آزادی*، ص ۱۶

۵۵. *یادداشت های تاریخی مستشارالدوله*، صص ۲۵-۲۶

۵۶. مستشارالدوله می نویسد:

در رشت شنیده شد که پس از حرکت ما از تبریز، وکلای انجمن ملی محض استخلاص خود از حرکات مستبدانه سید هاشم که خود را سرحلقه حکومت «کیف ما یشائی» نموده بود و به صلاح دید علمایی که ظاهراً موافق و باطناً مخالف مشروطیت بودند، مشارالیه را به عنوان نماینده دوازدهم چاباری به طهران فرستادند. از رشت به تبریز نوشتیم که این انتخاب موجب توهین ماهست. اگر نقض نشود همگی رسماً استعفا خواهیم کرد. این پروتست منطقی تأثیر عاجل بخشید و سیدهاشم بدون اینکه با ما ملاقات نماید، فردای ورود ما علی الصباح (به) طرف تبریز حرکت کرد. ر. ک: *یادداشت های تاریخی مستشارالدوله*، ص ۲۶.

اینکه گفته شد نام او به خطا در میان نمایندگان آمده، از مرام سیاسی و مخالفتش با مشروطیت سرچشمه گرفته است. او با لشکر شکست خورده دولت به طهران آمد که تحت حمایت دولت مجلس را به توپ بسته و به اعتقاد خود ریشه مشروطیت را کنده... ولی دیری نگذشت که با سرنگون شدن استبداد صغیر... به دار آویخته

گردید. همان، ص ۲۶. این نظر با توجه به نظریه نمایندگی و انتخابات در مجلس موسس اول عرضه شد. مفهومی خاص از مفهوم نمایندگی در مجلس اول مؤسس وجود داشته است. نظریه‌ای که باید آن را توضیح داد. ۵۷. نام او در پای لایحه به صورت اقل السادات و الطلاب محمدتقی الموسوی الهروی آمده که در جاهای دیگر هم هروی تکرار شده است.

۵۸. این کاستی‌ها گاهی به کاستی‌های ماهوی بدل می‌شوند. برای نمونه، نام مؤتمن‌الممالک در نشست یک-شنبه، هفتم ربیع‌الاول ۱۳۲۵، به صورت «مؤتمن‌الملک» ثبت شده است.

۵۹. نوشتن این واژه با «گ» نادرست است، بلکه آن را با «ک» یعنی «الشکر» باید نوشت. ر. ک: ابوالحسن نجفی، غلط نویسیم، ص ۳۲۹.

۶۰. در همه متن «ناروند» آمده است.

۶۱. نشست پانزدهم و شانزدهم صفر ۱۳۲۵.

۶۲. غلامحسین میرزاصالح.

۶۳. اسدالله میرزا در نشست یک‌شنبه، سلخ شهر ذی‌العقده ۱۳۲۵ به درستی گفت: در چندی قبل که در این خصوص صحبت شده، در نظر بنده هست که گفته شد اگر کم‌تر از شش ماه به آخر دوره انتخاب مانده باشد، مجلس انتخاب نماید. این است که قید شد «بیش از شش ماه اگر نباشد»، مجلس انتخاب نماید و گویا در لفظ «باشد» و «نباشد» اشتباه شده است و وکیل حق ملت است، نمی‌شود غصب کرد. سخن او درباره راه یافتن خطایی به ماده دوازدهم، درست است، اما مجلس مشروطه به رفع این مشکل مهم تن نداد.

۴۲، ص ۴۴

۶۵. میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه، در نشست یازدهم رمضان ۱۳۲۵: این که گفته‌اند از ملل مختلفه وکیل انتخاب نشده است، چرا نشده است؟ از طرف زردشتی‌ها که وکیل آنجا دارند. ارامنه و یهود هم خودشان حقوقشان را واگذار کردند به حجج‌الاسلام. منتخب طایفه ارامنه وکالت خود را واگذار و تفویض به آقای طباطبایی نمودند. منتخب طایفه هنود حق خود را در این انتخاب واگذار به آقای بهبهانی نمودند. ر. ک: ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، ص ۶۳۶

۶۶. بهبهانی در پایان نشست پنج‌شنبه، شانزدهم ذی‌الحجه ۱۳۲۴ گفت: «وزیر جنگ به بنده نوشته بودند، خیلی عذرخواهی کردند که من کار دارم و نرسیدم [که در مجلس حاضر شوم]. هر امری باشد من در انجامش حاضرم و خودم هم در مجلس حاضر می‌شوم و هر چه بخواهند همراهی دارم.»

۶۷. گفت و گو با BBC

۶۸. اصل ۲۷

۶۹. اصل ۳۴

۷۰. اصل ۳۵

۷۱. اصل ۴۱

۷۲. اصل ۴۲

۷۳. پس به راستی باید گریه‌کنندگان بر اسلام گریه کنند. این اصطلاحی برای اشاره به ژرف بودن فاجعه است و به بخشی از دعای ندبه می‌ماند؛ و علی الاطائب من آل احمد فلیبک الباکون، فعلی مثل الحسین فلیبک الباکون و لیضح الضاجون. عن الامام الرضا (ع) فعلی مثل الحسین فلیبک الباکون، فان البکاء علیه، یحط الذنوب العظام.

۷۴. بل بدا لهم ما كانوا یخفون من قبل ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه و انهم لکذبون... اگر هم بازگردانده شوند، قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند برمی‌گردند و آنان دروغ گویند (انعام / ۲۸).

۷۵. نور / ۴۰،

۷۶. مائده / ۳۳،

۷۷. متن کامل این آیه چنین است: و اذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یدخرجوک و یمکرون و یمکرالله و الله خیرالماکرین (انفال / ۳۰). آیات دیگری نیز با همین درون‌مایه در قرآن کریم هست: و مکروا و مکرالله و الله خیرالماکرین (آل عمران / ۵۴)؛ مکرو مکرا و مکرنا مکرا (نمل / ۵۰) و... این نمونه در متن درست ثبت شده و تنها به انگیزه آوردن آن در فهرست آیات قرآن در نسخه ویراسته جدید ذکر شده است.

۷۸. شیخ یوسف وکیل فارس، نشست شنبه، یازدهم رمضان، ۱۳۲۵

۷۹. در متن قانون‌ها، تخاقوی آمده است. برای نمونه بودجه موقتی چهار ماهه تخاقوی بیل ۱۲۸۸ شمسی وزارت جنگ.

۸۰. در این قانون چنین آمده است: ماده اول مجلس شورای ملی تصویب می‌نماید که از نوروز ۱۳۰۴، تاریخ رسمی سالیانه مملکت به ترتیب ذیل معمول گردد و دولت مکلف است در تمام دوایر دولتی اجرا نماید. د - اسامی و عده ایام ماه‌ها ۱. فروردین ۳۱ روز... ماه دوم ترتیب سال شماری ختا و ایغور که در تقویم‌های سابق معمول بوده از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود.

۸۱. گفت و گو با BBC.